

# Developments in international criminal law and the case of business involvement in international crimes

تحولات حقوق بین‌الملل کیفری و مساله مشارکت شرکت‌ها در جنایات بین‌المللی<sup>۱</sup>

جوآنا کریاکاکیس<sup>۲\*</sup>

چکیده:

در پرتو وظیفه گزارشگر ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد مساله شرکت‌ها و حقوق بشر (گزارشگر ویژه)، از حقوق بین‌الملل کیفری انتظار می‌رود که برای پاسخگویی به عاملان شرکتی درگیر در نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ایفای نقش کند. این مقاله، با در نظر گرفتن پایان دوران کار گزارشگر ویژه، به بررسی سه تحول جدید در حقوق بین‌الملل کیفری مرتبط با عاملان شرکتی درگیر در جنگ‌ها می‌پردازد. نخستین تحول، پذیرش نوع جدید مسوولیت توسط دیوان بین‌المللی کیفری است: ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان.<sup>۳</sup> دومین تحول، به دکتترین «کمک و مساعدت»<sup>۴</sup> در دادگاه ویژه سیرالئون در قضیه چارلز تیلور بازمی‌گردد. سومین مورد، به تاثیرات بالقوه رویه موسوم به پیگرد موضوعی<sup>۵</sup> مربوط می‌شود که بر آن دسته از نگرانی‌های جامعه بین‌المللی متمرکز است که قواعد مکفی در مورد آن وجود ندارد.

کلمات کلیدی: حقوق بین‌الملل کیفری، عاملان شرکتی، ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان، پیگردهای موضوعی.

نقش عاملان شرکتی<sup>۶</sup> در ارتکاب جنایات بین‌المللی و چگونگی مقابله با آن با استفاده از حقوق بین‌الملل کیفری در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۷</sup> با وجود پایان دوره کاری پرفسور جان روجی، گزارشگر ویژه دبیرکل ملل متحد در موضوع حقوق بشر و شرکت‌های فراملی و سایر مؤسسات تجاری

۱ برگردان به فارسی: کتابون حسین نژاد

۲ جوآنا کریاکاکیس استادیار حقوق در دانشگاه موناخ و فعال در مرکز کاستان حقوق بشر است.

\* این مقاله بخشی از تحقیق گسترده‌تر در مورد شرکت‌ها و حقوق بین‌المللی کیفری است که توسط ادوارد الگار در سال ۲۰۱۴ چاپ خواهد شد.

<sup>۳</sup> Indirect Perpetration Through an Organisation

<sup>۴</sup> Aiding and Abetting

<sup>۵</sup> thematic prosecutions

<sup>۶</sup> در این مقاله، عبارت «فعالان شرکتی» هم به نهادهای تجاری، همانند شرکت‌ها، به عنوان اشخاص حقوقی اشاره دارد و هم به مدیران شرکتی به عنوان اشخاص حقیقی.

<sup>۷</sup> 'Workshop', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 6, No. 5, 2008, pp. 899-979; and *Journal of International Criminal Justice: Special Issue-Transnational Business and International Criminal Law*, Vol. 8, No. 3, 2010.

گزارشگر ویژه)<sup>۸</sup>، توجه به قابلیت‌های ویژه‌ی این شاخه از حقوق بین‌الملل به عنوان ابزار اصلی مقابله با بدترین اشکال نقض‌های حقوق بشر در ارتباط با فعالیت‌های تجاری همچنان ادامه دارد. گزارشگر ویژه در آخرین چارچوب و اصول راهنمای خود از ارائه پیشنهاد وضع تعهدات الزام‌آور در حقوق بین‌الملل برای مؤسسات تجاری خودداری کرد. با این حال، برخورد او با جنایات بین‌المللی، از این قاعده مستثنی است. گزارشگر ویژه تأکید دارد که مؤسسات تجاری در مورد آن دسته از موارد نقض حقوق بشر که جزء جنایات بین‌المللی هستند، بیشتر مشمول رسیدگی قضایی سریع و مستقیم می‌شوند.<sup>۹</sup> جنایات بین‌المللی معمولاً دربرگیرنده نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی می‌شود. افراد مرتکب این جنایات را می‌توان طبق حقوق بین‌الملل مسئول دانست.<sup>۱۰</sup>

درک چرایی جذابیت حقوق بین‌الملل کیفری برای مقابله با وجوه منفی رابطه میان شرکت‌ها و حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه، به ویژه در درگیری‌های مسلحانه، پیچیده نیست. هنجارهای این رشته، که محدود به وضعیت درگیری نمی‌شوند، نتیجه نگرانی‌های حقوق بشردوستانه برای تنظیم بدترین زیاده‌روی‌های درگیری‌های مسلحانه است. از این رو، پارادیم صلح و امنیت را به «جولانگاه مألوف حقوق بین‌الملل کیفری» توصیف می‌کنند.<sup>۱۱</sup> با تأکید هرچه بیشتر اقتصاددانان و صاحب‌نظران علوم سیاسی بر رابطه‌ی میان درگیری‌های مدرن و اقتصاد، ارتباط بالقوه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری با عوامل شرکتی نیز فزونی می‌یابد.<sup>۱۲</sup> هنجارهای حقوق بین‌الملل کیفری معمولاً به نقض‌های شدید حقوق بشر نیز مرتبط است.<sup>۱۳</sup> از سوی دیگر احتمال بیشتری وجود دارد که نقض‌های شدیدتر حقوق بشر توسط شرکت‌ها در وضعیت درگیری رخ دهد.<sup>۱۴</sup>

<sup>۸</sup> ابتدای کار گزارشگر ویژه مندرج در سند زیر است:

*Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, Commission on Human Rights (CHR), UN Doc. E/CN.4/RES/2005/69, 20 April 2005.

شورای حقوق بشر سازمان ملل، در سال ۲۰۰۸، این مدت را برای سه سال دیگر تمدید کرد:

*HRC, Mandate of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, UN Doc. A/HRC/RES/8/7, 18 June 2008.

نک. به «گزارشگر ویژه و جنایات بین‌المللی» در پایین.<sup>۹</sup>

<sup>۱۰</sup> برای بررسی بحث‌های مختلف در مورد تعاریف جنایات بین‌المللی، نک. به

Robert Cryer, Hakan Friman, Darryl Robinson, and Elizabeth Wilmschurst, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, 2nd edition, Cambridge University Press, New York, 2010, pp. 3–12.

<sup>۱۱</sup> Larissa van den Herik and Daniella Dam-de Jong, 'Revitalizing the antique war crime of pillage: the potential and pitfalls of using international criminal law to address illegal resource exploitation during armed conflict', in *Criminal Law Forum*, Vol. 15, 2011, p. 245.

<sup>۱۲</sup> *Ibid.*, pp. 238–250. [SEP]

<sup>۱۳</sup> See, e.g., the International Commission of Jurists Expert Legal Panel on Corporate Complicity in International Crimes (ICJ Expert Panel), *Corporate Complicity and Legal Accountability*, Vol. 2, International Commission of Jurists, Geneva, 2008, pp. 2–4.

<sup>۱۴</sup> See, e.g., HRC, *Protect, Respect and Remedy: a Framework for Business and Human Rights*, Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises, John Ruggie, UN Doc. A/HRC/8/5, 7 April 2008 (از این پس، چهارچوب) paras. 47–49; HRC, *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations 'Protect, Respect and Remedy' Framework*, Report of the

همچنین، برخلاف سایر رشته‌های حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل کیفری واجد ضمانت اجرای کارآمد علیه افراد، در سطح عمومی و خصوصی، و نه دولت‌ها می‌باشد. در نتیجه، برای پرکردن خلاءهای موجود در ضمانت اجرای حقوق بشر عموماً به این رشته توسل می‌جویند.<sup>۱۵</sup> در موضوع شرکت‌ها و حقوق بشر، این خلاءها به چالش‌های دولت میزبان در تنظیم فعالیت شرکت‌های خارجی در سرزمین خود به دلیل، برای مثال، وابستگی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا نداشتن تخصص فنی و قدرت چانه‌زنی باز می‌گردد.<sup>۱۶</sup> حقوق بین‌الملل کیفری در بدو پیدایش در نورمبرگ به نقش عاملان شرکتی در ارتکاب جنایات بین‌المللی توجه داشت.<sup>۱۷</sup> از آن زمان، دادستان‌های دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی تمایل خود را به در نظر گرفتن اقدامات فعالان تجاری و خصوصی در مناطق درگیری در تحقیقات راجع به جنایات بین‌المللی ابراز داشته‌اند.<sup>۱۸</sup> با

---

*Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, John Ruggie, UN Doc. A/HRC/17/31, 21 March 2011 (از این پس، اصول راهنما), Principle 7, pp. 10–11. See also HRC, *Business and Human Rights in Conflict-Affected Regions: Challenges and Options towards State Responses*, Report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises, John Ruggie, UN Doc. A/HRC/17/32, 27 May 2011.

در حالیکه، اصول راهنما صرفاً به ناتوانی دولت میزبان در حمایت از حقوق بشر در زمان مخاصمات به دلیل فقدان کنترل مؤثر اشاره دارد، حقوق بین‌المللی کیفری به ما می‌آموزد که عامل دیگر، عدم تمایل دولت میزبان برای مقابله با این جنایات بین‌المللی به دلیل مشارکتش در چنین جنایاتی است.

<sup>۱۵</sup> L. van den Herik and D. Dam-de Jong, above note 9, p. 246. [SEP]

برای بررسی نقش حقوق بین‌المللی کیفری به عنوان ضمانت اجرای حقوق بشر در رابطه با فعالیت شرکت‌ها، نک. به:

Larissa van den Herik and Jernej Letnar Cernic, 'Regulating corporations under international law: from human rights to international criminal law and back again', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 725–743.

<sup>۱۶</sup> Stephen R. Ratner, 'Corporations and human rights: a theory of legal responsibility', in *The Yale Law Journal*, Vol. 111, 2001, pp. 461–473; Sarah Joseph, 'Taming the leviathans: multinational enterprises and human rights', in *Netherlands International Law Review*, Vol. 46, No. 2, 1999, pp. 176–181.

<sup>۱۷</sup> مهم‌ترین این موارد، محاکمه صاحبان صنایع آلمانی در دادگاه نظامی آمریکایی در نورمبرگ به موجب فرامین شماره ۱۰ شورای کنترل می‌باشد:

*US v. Friedrich Flick et al.*, Opinion and Judgement of 22 December 1947, *Trials of War Criminals Before the Nuernberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10*, Vol. VI, 1952, pp. 1187–1223; *US v. Krauch et al.*, Judgement of 29 July 1948, *Trials of War Criminals Before the Nuernberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10*, Vol. VIII, 1952, pp. 1081–1210; *US v. Alfred Krupp et al.*, Judgement of 31 July 1948, *Trials of War Criminals Before the Nuernberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10*, Vol. IX, 1950, pp. 1327–1452.

برای بررسی خلاصه آرای محاکم در این خصوص نک. به:

Matthew Lippman, 'War crimes trials of German industrialists: the "other Schindlers"', in *Temple International and Comparative Law Journal*, Vol. 9, No. 2, 1995, pp. 173–267.

برای بررسی تحلیل دقیق تئوری ناظر بر محاکمه صاحبان صنایع نک. به:

Jonathan Bush, 'The prehistory of corporations and conspiracy in international criminal law: what Nuremberg really said', in *Columbia Law Review*, Vol. 109, No. 5, 2009, pp. 1094–1240.

<sup>۱۸</sup> برای نمونه، اعلامیه و خط‌مشی پیگردهای دفتر دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری در مورد فعالان شرکتی که از جنایات بین‌المللی حمایت می‌کنند، نک. به:

Reinhold Gallmetzer, 'Prosecuting persons doing business with armed groups in conflict areas: the strategy of the Office of the Prosecutor of the International Criminal Court', in *Journal of*

آنکه چنین خواستی هنوز در قالب یک کیفرخواست رسمی نیامده، اما سخنانی این چنین، بیانگر توجه نهادهای مهم بین‌المللی کیفری به نقش شرکت‌هاست. تمام این عوامل، حقوق بین‌الملل کیفری را به ابزاری مناسب تبدیل می‌کند برای مقابله با پدیده مشارکت شرکت‌ها در آن‌دسته از نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که جنایات بین‌المللی هستند.

عاملان شرکتی به اشکال مختلف سهمی در ارتکاب جنایات بین‌المللی دارند، برای نمونه: نقش شرکت‌های خصوصی نظامی در شکنجه اسرای در اختیار، مشارکت شرکت‌های فراملی فعال در صنایع استخراج مواد در سوءاستفاده‌هایی که شرکای امنیتی آن‌ها به‌عمل می‌آورند همانند آوارگی اجباری به منظور دسترسی به زمین برای استخراج معادن یا خشونت‌های انتقام‌جویانه علیه تهدید در مورد عملیات استخراج معادن؛ استفاده از کار اجباری در طول چرخه تولید؛ پشتیبانی و ارائه کمک‌های مالی به درگیری مسلحانه از طریق شبکه‌های تجاری؛ و مشارکت شرکت‌های تجاری در غارت اموال و منابع طبیعی.<sup>۱۹</sup> با آن‌که هریک از این موارد شایسته تحقیق مفصلی است، این مقاله به‌طور کلی به نقش حقوق بین‌الملل کیفری برای مقابله با عاملان شرکتی - فرد یا شرکت - در ارتکاب جنایات بین‌المللی، در مواردی که رابطه نزدیکی میان ارتکاب این جنایات و نقش شرکت‌ها وجود دارد، می‌پردازد. به این دلیل، در عنوان این مقاله، از عبارت «مساله شرکت‌ها» استفاده شد تا سناریوهایی را در برگیرد که در آن شرکت‌ها یا افراد خصوصی در ظرفیت کاری خود و از طریق شرکت‌ها در ارتکاب جنایات بین‌المللی سهمی دارند.

هدف این مقاله، مشارکت در ادبیات روبه‌فزونی است که بر نقش آینده حقوق بین‌الملل کیفری به عنوان ابزاری برای مقابله با نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط شرکت‌ها در درگیری‌های مسلحانه متمرکز می‌باشد. در این راستا، در بخش اول این مقاله، اهمیت آینده حقوق بین‌الملل کیفری برای پاسخگو دانستن شرکت‌ها در موارد سوءاستفاده از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و در پرتو وظیفه گزارشگر ویژه بررسی می‌شود. در این بخش، گفته می‌شود که در راستای نتایج گزارشگر ویژه همچنان احتمال می‌رود که حقوق بین‌الملل کیفری به عنوان مکانیزم اصلی برای مقابله با فجیع‌ترین موارد مشارکت شرکت‌ها در نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌کار رود. با پذیرش ادامه اهمیت این شاخه حقوقی، بخش دوم این مقاله به بررسی تحولات اخیر در حقوق بین‌الملل کیفری می‌پردازد. نخستین تحول به ظهور نوع جدید مسوولیت در رویه دیوان بین‌المللی کیفری یعنی ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان بازمی‌گردد. در این قسمت، برخی نکات اولیه و کلی در مورد تاثیرات این نوع از مسوولیت کیفری برای پیگرد شرکت‌ها به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی بیان می‌شود. همچنین دکتترین «کمک و مساعدت» مورد استفاده در دادگاه ویژه سیرالئون در قضیه چارلز تیلور مورد بررسی قرار می‌گیرد. دومین تحول مورد تحلیل در این مقاله، رویه

---

*International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 947-956.

<sup>۱۹</sup> برای گونه‌شناسی شرایطی که شرکت‌ها را با خطر همدستی در جنایات بین‌المللی روبرو می‌کند، نک. به، پاورقی شماره ۱۱، ص ۴۳ -

پیگردهای موضوعی است. در این قسمت به این مساله پرداخته می‌شود که چگونه این تحولات، احتمالاً منجر به آن خواهد شد که عاملان شرکتی به کانون کیفرخواست‌های بین‌المللی آتی تبدیل شوند.

## گزارشگر ویژه سازمان ملل و مساله ویژه جنایات بین‌المللی

### وظیفه گزارشگر ویژه: دستاوردها و چالش‌ها

از سال ۲۰۰۵ تا پایان کار گزارشگر ویژه در ژوئن ۲۰۱۱، گفتمان بین‌المللی در موضوع حقوق بشر و شرکت‌ها حول فعالیت گزارشگر ویژه در جریان بود. گزارشگر ویژه از ابتدای کار خود بر وجود یک خلاء حاکمیتی در مورد اقدامات مؤسسات تجاری فعال در اقتصاد جهانی تاکید کرد.<sup>۲۰</sup> ایده «خلاء حاکمیتی» مبتنی بر این ادعاست که میان ظرفیت‌های شرکت‌های فراملی برای نقض شدید حقوق بشر از یک‌سو، و ظرفیت حاکمیتی دولت‌ها برای پاسخگویی به چنین زیان‌هایی از سوی دیگر، تعادلی وجود ندارد.<sup>۲۱</sup> نتیجه چنین خلاء قانونی، ایجاد فضایی است که به شرکت‌ها اجازه نقض حقوق بشر را می‌دهد،<sup>۲۲</sup> که به ویژه در مورد شرکت‌های فعال در کشورهای در حال توسعه و مناطق جنگی صدق می‌کند.<sup>۲۳</sup> به عنوان یک قاعده کلی، در جنگ است که نقض‌های بسیار شدید حقوق بشر رخ می‌دهد؛ جایکه دولت‌های میزبان شرکت‌های خارجی از کمترین توانایی برای تصحیح آثار منفی احتمالی ناشی از اقدامات شرکت‌ها برخوردارند.<sup>۲۴</sup> برای رفع این خلاء حاکمیتی و در پی مشورت‌های بسیار با افراد ذینفع، گزارشگر ویژه «چهارچوب حمایت، رعایت و جبران» را به عنوان سیاست کلان راهنما برای ایده‌ها و اقدامات آینده در سطح بین‌الملل در مورد موضوع شرکت‌ها و حقوق بشر مطرح کرد.<sup>۲۵</sup> سه ستون اصلی این چهارچوب به وظیفه دولت‌ها به حمایت در مقابل نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث، مسوولیت شرکت‌ها به رعایت حقوق بشر از طریق «مراقبت مقتضی»<sup>۲۶</sup> و حق قربانیان نقض‌های حقوق بشر مرتبط با شرکت‌ها به دسترسی به غرامت مؤثر می‌باشد. چهارچوب و اصول راهنمای بعدی گزارشگر ویژه،<sup>۲۷</sup> به هدف ارائه راهنما در مورد چگونگی اجرای چهارچوب، مورد تأیید شورای حقوق بشر قرار گرفت<sup>۲۸</sup> و به دستورکار فعالیت‌های آتی سازمان ملل در مورد مساله شرکت‌ها و حقوق بشر تبدیل شد.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۰</sup> HRC, *Business and Human Rights: Mapping International Standards of Responsibility and Accountability for Corporate Acts, Report of the Special Representative of the Secretary-General (SRSG) on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, UN Doc. A/HRC/4/035, 9 February 2007, (از این پس، گزارش سال ۲۰۰۷), paras. 1–4 and 82.

On the dynamics of the problem see the Framework, above note 9, paras. 3–4 and 11–16.

<sup>۲۱</sup> *Ibid.* [SEP]

<sup>۲۲</sup> *Ibid.*

<sup>۲۳</sup> *Ibid.*, para. 36 (on developing countries) and paras. 47–49 (on conflict zones). [SEP]

<sup>۲۴</sup> *Ibid.*,

<sup>۲۵</sup> *Ibid.*,

<sup>۲۶</sup> Due Diligence

<sup>۲۷</sup> The Guiding Principles, above note 12. [SEP]

<sup>۲۸</sup> HRC, *Mandate of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, Res. 8/7, 18 June 2008; HRC,

چهارچوب و اصول راهنما به دلیل نکات مثبت بسیار آن، مورد تمجید قرار گرفته‌اند. از جمله این نکات مثبت، وارد کردن دولت‌ها و شرکت‌ها در گفتگویی ثمربخش<sup>۳۰</sup> و پذیرش سیاست‌های ناظر بر «مراقبت تضمینی» توسط شرکت‌ها بود.<sup>۳۱</sup> با این حال، یکی از انتقادهای مهم بر این اسناد، کوتاهی گزارشگر ویژه از درج نقش صریح تعهدات بین‌المللی حقوق بشری در مورد عواملان شرکتی بود.<sup>۳۲</sup> گزارشگر ویژه در ابتدای کار خود، نپذیرفت که پیش نویس «هنجارهای مسوولیت شرکت‌های فراملی و سایر مؤسسات تجاری در مورد حقوق بشر» تعیین کننده‌ی مسیر حرکت بعدی باشد.<sup>۳۳</sup> این «هنجارها» چهارچوبی بود که پیش از گزارشگر ویژه برای برخورد با مسائل مربوط به شرکت‌ها و حقوق بشر تنظیم شده بود. هدف از تنظیم این هنجارها، دستیابی به تعهدات حقوق بشری الزام آور مبتنی بر معاهده بود که شرکت‌ها را از طریق وضع قوانین داخلی متعهد سازد و کاستی‌های قانون در این زمینه را از میان بردارد.<sup>۳۴</sup>

برخلاف این هنجارها، مفهوم «مسوولیت شرکتی»<sup>۳۵</sup> برای رعایت حقوق بشر مندرج در چهارچوب با مسوولیت حقوقی شرکت یکسان نیست. چهارچوب از «مسوولیت شرکت به رعایت همه قواعد حقوق بشر به عنوان بخشی از مجوز اجتماعی شرکت برای فعالیت حتی در مواردی که قانون چنین چیزی را لازم نداند»، صحبت می‌کند.<sup>۳۶</sup> به دیگر سخن، چهارچوب فرامین دادگاه افکار عمومی را به جای دادگاه واقعی لازم می‌شمرد، اگرچه برخی از این فرامین ممکن است پیامدهای حقوقی نیز داشته باشد. در نتیجه، چهارچوب به دلیل ادامه وضعیت فعلی، یعنی تنظیم رفتار بر مبنای میل و اراده<sup>۳۷</sup>، مورد انتقاد قرار گرفته است که پیامد

---

*Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, Res. 17/4, UN Doc. A/HRC/RES/17/4, 6 July 2011.

<sup>۲۹</sup> در پیگیری اقدامات گزارشگر ویژه، شواری حقوق بشر، گروه کاری در مورد تجارت و حقوق بشر ایجاد کرد که اهم وظیفه آن اجرای اصول راهنما است. همان، بند ۶

<sup>۳۰</sup> Penelope Simons, 'International law's invisible hand and the future of corporate accountability for violations of human rights', in *Journal of Human Rights and the Environment*, Vol. 3, No. 1, 2012, p. 9.

<sup>۳۱</sup> در مورد اتخاذ اصول راهنما، نک. به:

HRC, *Report of the Working Group on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises*, UN Doc. A/HRC/20/29, 10 April 2012, paras. 22–40.

<sup>۳۲</sup> P. Simons, above note 26, pp. 9–10. [SEP]

<sup>۳۳</sup> اصول راهنما، پاورقی شماره ۱۲، بند ۶ و ۵۳ - ۵۱ (رد پیش نویس ناظر بر شناسایی برخی حقوقی که شرکت‌ها در قبال آن از مسوولیت برخوردارند) و بندهای ۷۲ - ۶۶ (رد تاکید و اتکای پیش نویس بر حوزه نفوذ).

<sup>۳۴</sup> برای بررسی این هنجارها، ارتباطشان با مأموریت گزارشگر ویژه و مباحث سیاسی حول و حوش آن، نک. به:

David Kinley, Justine Nolan, and Natalie Zerial, 'The politics of corporate social responsibility: reflections on the United Nations Human Rights Norms for Corporations', in *Company and Securities Law Journal*, Vol. 25, No. 1, 2007, pp. 30–42.

<sup>۳۵</sup> Corporate Responsibility

<sup>۳۶</sup> Sara L. Seck, 'Collective responsibility and transnational corporate conduct', in Tracy Isaacs and Richard Vernon (eds), *Accountability for Collective Wrongdoing*, Cambridge University Press, Cambridge, 2011, p. 141.

<sup>۳۷</sup> "voluntarism", See, e.g. Human Rights Watch, 'UN Human Rights Council: weak stance on business standards', news release, 16 June 2011, available at: [www.hrw.org/news/2011/06/16/un-human-rights-council-weak-stance-business-standards](http://www.hrw.org/news/2011/06/16/un-human-rights-council-weak-stance-business-standards) (last visited 30 May 2012).

احتمالی آن وارد آوردن فشار کمتر بر شرکت‌ها برای تبعیت از حقوق بشر در مواردی است که دلایل اقتصادی مهم باعث کنار گذاشتن این حقوق می‌شود.

برای برخی از منتقدان همانند سوریا دیوا، یکی از چالش‌های برآمده از رویکرد گزارشگر ویژه آن است که شرکت‌های تجاری اساساً به سمت دیگری برای تعیین دقیق حدود تعهدات حقوقی در مقابل انتظارات اجتماعی از اقدامات آنان، سوق داده شده‌اند.<sup>۳۸</sup> برای نمونه، با درج مسوولیت شرکتی به صورت کلی و بدون تبیین قواعد حقوقی لازم‌الاجرا بر شرکت‌های فعال در مناطق درگیری، اصول راهنما قادر به راهنمایی دقیق عاملان شرکتی در مورد چگونگی رفتار در این شرایط نیست.<sup>۳۹</sup> مثلاً، اصل راهنمای شماره ۲۳ راجع به شرکت‌های فعال در مناطق درگیری، پیشنهاد می‌کند که شرکت‌ها بایستی خطر معاونت در ارتکاب نقض‌های شدید حقوق بشر توسط سایر گروه‌ها (همانند نیروهای امنیتی) را به عنوان مساله مرتبط با تبعیت از قانون در نظر گیرند؛ اما مشخص نمی‌کند که چه اقدامی مصداق معاونت منجر به مسوولیت حقوقی است.<sup>۴۰</sup> به جای آن، در تفسیر اصول راهنما، به مفاهیم حقوق بین‌الملل کیفری در مورد معاونت و شبکه رو به رشد شناسایی مسوولیت شرکت‌ها در دادگاه‌های داخلی برای ارتکاب جنایات بین‌المللی برای توضیح پیامدهای ضمنی عدم تبعیت شرکت‌های فعال در مناطق درگیری از قانون اشاره می‌شود.<sup>۴۱</sup>

در پرتو رویکرد مبتنی بر خط‌مشی به جای رویکرد مبتنی بر حقوق در اسناد نهایی گزارشگر ویژه، تفاوتی که گزارشگر ویژه در مورد جنایات بین‌المللی قائل می‌شود، بذل توجه بیشتری را می‌طلبد. گزارشگر ویژه از ابتدای شروع کار خود، به احتمال انتساب معاونت به عاملان شرکتی در ارتکاب جنایات بین‌المللی توجه داشته‌است. با وجود آنکه گزارشگر ویژه صریحاً به تعهد مستقیم شرکت‌ها به موجب قواعد حقوق بین‌الملل کیفری اشاره نمی‌کند، اما تا حد امکان به آن نزدیک می‌شود. گزارشگر ویژه در گزارش سال ۲۰۰۷ خود بیان می‌دارد که «استدلال‌های مفصل و سابقه‌دار در سطح دکترین در مورد این مساله که آیا شرکت‌ها تابع حقوق بین‌الملل هستند... منجر به ظهور واقعیت‌های جدیدی شده است»<sup>۴۲</sup> و «نبود مکانیزم پاسخگویی بین‌المللی ... مانع از پذیرش مسوولیت شرکت‌ها در حال حاضر نمی‌شود».<sup>۴۳</sup> گزارشگر ویژه با تمرکز بر دو تحول موازی خاطر نشان می‌سازد که «صرف در نظر گرفتن قوانین ساده احتمالات، گویای آن است که شرکت‌ها در آینده در معرض مسوولیت بیشتری برای جنایات بین‌المللی قرار خواهند گرفت».<sup>۴۴</sup> نخستین تحول، رویه قضایی رو به رشد حقوق بین‌الملل کیفری در مورد اشکال جدید مسوولیت فرد در قبال جنایات بین‌المللی است. این رویه، راهنمایی است که در چه زمانی عاملان شرکتی - شرکت یا فرد - به عنوان معاون در ارتکاب جنایات بین‌المللی قلمداد می‌شوند. دومین تحول، افزایش شمار دولت‌هایی است که به دادگاه‌های ملی خود

---

<sup>۳۸</sup> Surya Deva, 'Guiding Principles on Business and Human Rights: implications for companies', in *European Company Law*, Vol. 9, No. 2, 2012, pp. 101-109.

<sup>۳۹</sup> *Ibid.* [SEP]

<sup>۴۰</sup> *Ibid.*, p. 107. [SEP]

<sup>۴۱</sup> Guiding Principles, above note 12, commentaries on Principles 17 and 23. [SEP]

<sup>۴۲</sup> The 2007 Report, above note 18, para. 20. [SEP]

<sup>۴۳</sup> *Ibid.*, para. 21. [SEP]

<sup>۴۴</sup> *Ibid.*, para. 27. [SEP]

صلاحیت تعقیب و محاکمه شرکت‌ها و افراد را در صورت مشارکتشان در ارتکاب جنایات بین‌المللی، می‌دهند. این امر، به‌ویژه در مورد دولت‌های عضو اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری مصداق دارد. بر طبق نظر گزارشگر ویژه، تعامل میان این دو تحول، موجد «شبکه در حال گسترش مسوولیت بالقوه شرکت‌ها برای جنایات بین‌المللی شده است».<sup>۴۵</sup> گزارشگر ویژه، اجرای ملی اساسنامه رم و بسط این قوانین به اشخاص حقوقی را «مهم‌ترین تحول حقوقی» حال حاضر برای رفع خلاءهای موجود حاکمیتی می‌خواند.<sup>۴۶</sup> در نتیجه، برخی از نظریه پردازان وضعیت خاص جنایات بین‌المللی در کار گزارشگر ویژه را مورد تأکید قرار داده و این موارد را استثنایی بر عدم تمایل گزارشگر ویژه به وضع هنجارهای حقوق بشری لازم‌الاجرا برای شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل خوانده‌اند.<sup>۴۷</sup>

از کار گزارشگر ویژه برمی‌آید که در آینده عاملان شرکتی بیشتر از سایر زمینه‌های حقوق بشر، بایستی در انتظار پیگرد و محاکمه در صورت نقض هنجارهای کیفری بین‌المللی باشند. امروزه، این امر می‌تواند از طریق دادگاه‌های داخلی که حقوق بین‌الملل کیفری را علیه نهادهای تجاری اعمال می‌کنند یا رسیدگی‌های دادگاه‌های داخلی یا بین‌المللی علیه مقامات شرکت‌های تجاری تحقق یابد. چنین رویه‌ای به اقدامات شرکت‌های فعال در مناطق درگیری و احتمال درگیر شدن در جنایات بین‌المللی، بسیار مرتبط است. کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، همین هشدار را می‌دهد. گروه تخصصی کمیسیون در موضوع معاونت شرکت‌ها در ارتکاب جنایات بین‌المللی به این نتیجه می‌رسد که وکلای شرکت‌ها و افراد مسوول متابعت از قانون، تمایل به نادیده گرفتن ارتباط حقوق بین‌الملل کیفری به عملیات شرکت‌ها را دارند.<sup>۴۸</sup> گروه تخصصی هشدار می‌دهد که «با توجه به توسعه حوزه حقوق بین‌الملل کیفری و با توجه به حضور شرکت‌ها در عرصه‌های جدید، حقوق بین‌الملل کیفری و اجرای آن در حوزه داخلی بیشتر و بیشتر به بحث شرکت‌ها ارتباط پیدا می‌کند».<sup>۴۹</sup>

همان، بند ۲۲، همچنین نک. به بندهای ۳۲ - ۱۹ در مورد «مسوولیت شرکتی و پاسخگویی برای جنایات بین‌المللی». همچنین نک. به <sup>۴۵</sup> چهارچوب، پاورقی شماره ۱۲. بند ۲۰.

گزارش سال ۲۰۰۷، پاورقی شماره ۱۸، بند ۸۴ <sup>۴۶</sup>

نک. به پاورقی شماره ۳۹، صص. ۱۴۱ - ۱۴۰ و ۱۵۱ - ۱۵۰ و ۱۵۷. و: <sup>۴۷</sup>

P. Simons, above note 24, pp. 9-10; International Law Association Committee on Non-State Actors, *First Report of the Committee: Non-State Actors in International Law: Aims, Approach and Scope of the Project and Legal Issues*, The Hague, 2010, p. 17, available at: [www.ila-hq.org/en/committees/index.cfm/cid/1023](http://www.ila-hq.org/en/committees/index.cfm/cid/1023) (last visited 30 May 2012)

شایان ذکر است که گزارشگر ویژه اخیراً تأکید کرده است که شواهد مختلفی در تأیید مسوولیت شرکت‌ها برای جنایات بین‌المللی وجود دارد. این گفته، در پاسخ به این ایراد بیان شده که کار گزارشگر ویژه به معنای عدم وجود تعهدات الزام آور برای شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل است. نک:

Professor John Ruggie, Professor Philip Alston, and the Global Justice Clinic at NYU School of Law, 'Brief Amici Curiae of Former Special Representative for Business and Human Rights, Professor John Ruggie; Professor Philip Alston; and the Global Justice Clinic at NYU School of Law in Support of Neither Party', in *Esther Kiobel v. Royal Dutch Petroleum*, No. 10-1491, 12 June 2012.

پاورقی شماره ۱۱، ص. ۵ <sup>۴۸</sup>

همان <sup>۴۹</sup>



محدودیت‌های حقوق بین‌الملل کیفری در پوشش کلیه اقدامات شرکت‌ها

تاکید بیش از اندازه بر قابلیت حقوق بین‌الملل کیفری در تضمین متابعت شرکت‌ها از حقوق بشر و امکان ایجاد مکانیزم‌های پاسخگویی برای نقض‌های حقوق بشر، خطراتی نیز به همراه دارد. این خطر، هم به دلیل عدم وجود رویه‌ای برای پیگرد بین‌المللی و مستقیم شرکت‌هاست<sup>۵۰</sup> و هم به دلیل آن است که اصول کیفری تنها مشارکت‌کنندگانی که با جنایات بین‌المللی نزدیکی کافی دارند را هدف قرار می‌دهد. از آنجا که تنها برخی از اقدامات شرکت‌ها به اندازه کافی با ارتکاب نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتباط دارد و تنها برخی از نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه جنایات بین‌المللی هستند، حقوق بین‌الملل کیفری صرفاً بخش اندکی از فعالیت شرکت‌ها را پوشش می‌دهد.<sup>۵۱</sup> این دلایل (و البته دلایل دیگر) به معنای اهمیت پیشنهادی گزارشگر ویژه است که عملیات شرکت‌های تجاری در مناطق درگیری را «دربگیرنده بخش‌های تقنینی چندگانه‌ای» می‌داند.<sup>۵۲</sup> برای نمونه یکی از توصیه‌های تقنینی گزارشگر ویژه که به طور خاص به شرکت‌های فراملی سرمایه‌گذار در کشورهای در حال توسعه مربوط می‌شود، آن است که دولت‌ها در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری از گنجاندن شروطی که دست دولت را در پاسخگویی به خطرات ناشی از نقض حقوق بشر و امنیت انسانی در اثر عملیات شرکت‌ها می‌بندد، خودداری کنند.<sup>۵۳</sup> توصیه دیگر آن است که دولت محل اصلی شرکت، حمایت‌های معمول خود از طریق نهادهای اعتباری را، در مواردی که شرکت متناسب با وضعیت درگیری عمل نمی‌کند، قطع کرده یا از ارائه این حمایت‌ها خودداری کند.<sup>۵۴</sup>

مشکل دیگر تاکید بیش از حد بر تحولات موجود در حقوق بین‌الملل کیفری، تردید در مورد اعمال واقعی حقوق داخلی بر شرکت‌های درگیر در جنایات بین‌المللی در سرزمین دولت دیگر است. برای نمونه، اجرای قوانین بین‌المللی کیفری در سطح ملی و بسط آن به افراد حقوقی تا حدی زیادی «نتیجه تبعی پیش‌بینی شده» اقدامات دولت‌ها برای تقویت نظام حقوقی خود در برابر افراد است.<sup>۵۵</sup> اما وجود اراده سیاسی لازم برای اعمال این قواعد بر شرکت‌ها به عنوان نهادهای حقوقی، به ویژه در مورد اقدامات فراسوی مرزهای یک کشور،

<sup>۵۰</sup> در مورد استثنای کلی عاملان شرکتی از خط‌مشی پیگردهای قضایی از زمان نورمبرگ، نک. به:

William Schabas, 'War economies, economic actors and international criminal law', in Karen Ballentine and Heiko Nitzschke (eds), *Profiting From Peace: Managing the Resource Dimensions of Civil War*, Lynne Rienner Publishers, Boulder, 2005, p. 440; Florian Jessberger, 'On the origins of individual criminal responsibility under international law for business activity: IG Farben on trial', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, p. 801.

<sup>۵۱</sup> در همین مورد، نک. به پاورقی شماره ۹، صص. ۲۴۹ - ۲۴۷.

<sup>۵۲</sup> Mark A. Drumbl, 'Collective responsibility and postconflict justice', in Tracy Isaacs and Richard Vernon (eds), *Accountability for Collective Wrongdoing*, Cambridge University Press, Cambridge, 2011, pp. 23-60.

<sup>۵۳</sup> چهارچوب، پاورقی شماره ۱۲، بندهای ۴۲ - ۳۳، اصول راهنما، پاورقی شماره ۱۲، اصل ۹، ص. ۱۲.

<sup>۵۴</sup> نک. به اصول راهنما، پاورقی شماره ۱۲، اصل ۴، صص. ۱۰ - ۹ و اصل ۷، صص. ۱۱ - ۱۰. انتقاد وارد بر این پیشنهادها آن است که به دلایل ریشه‌ای که مانع حرکت در این سمت می‌شود، بی‌توجه است.

<sup>۵۵</sup> گزارش سال ۲۰۰۷، پاورقی شماره ۱۸، بند ۸۴.

محل تردید است.<sup>۵۶</sup> نگاه به سرنوشت قانون شبه‌جرم بیگانگان<sup>۵۷</sup> بسیار گویاست. تا به امروز، قربانیان نقض‌های حقوق بشری شرکت‌ها، از این قانون بیشترین استفاده را برای دریافت خسارت حقوقی برای اقداماتی کرده‌اند که اساساً به هنجارهای بین‌المللی قابل اعمال بر وجوه تجاری درگیری مربوط می‌شود.<sup>۵۸</sup> پرونده کیوبل که اخیراً در دیوان عالی آمریکا مورد رسیدگی قرار گرفت، دو مساله را بررسی کرد: آیا این قانون بر شرکت به عنوان خوانده (در مقابل شخص حقیقی) قابل اعمال است و آیا امکان اعمال فراسرزمینی این قانون وجود دارد.<sup>۵۹</sup> با وجود آنکه دیوان تصمیمی در مورد پرسش نخست نگرفت، اما اعلام نمود که فرض قانونی محکمی در مورد عدم اعمال این قانون بر وقایع روی داده در سرزمین سایر دولت‌ها، وجود دارد مگر آنکه، «ارتباط یا تماس دعوی با قلمروی ایالات متحده... به حدی قوی باشد که بتواند این فرض را به کنار نهد».<sup>۶۰</sup> با این کار، دیوان گستره قانون شبه‌جرم بیگانگان را که دستاویزی برای طرح دعاوی حقوق بشری علیه اقدامات شرکت‌ها در اقتصاد جهانی بود، بسیار محدود کرد. نگرانی دیوان در مورد اعمال این قانون بر فعالیت شرکت‌ها در خارج از مرزها، جایگاه ارتباط بسیار محدودی با ایالات متحده دارد، بیانگر فشارهایی است که دولت‌ها و شرکت‌ها از طریق ورود اشخاص ثالث و همیاری دادگاه<sup>۶۱</sup> یا به انحاء دیگر در طول رسیدگی‌های بر اساس این قانون، تا به امروز مطرح کرده‌اند.<sup>۶۲</sup> ابهام در مورد استفاده دولت‌ها از قوانین

---

<sup>۵۶</sup> Joanna Kyriakakis, 'Australian prosecution of corporations for international crimes: the potential of the Commonwealth Criminal Code', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 5, No. 4, 2007, pp. 809–826.

<sup>۵۷</sup> Alien Tort Statute

<sup>۵۸</sup> برای بررسی رابطه میان قانون شبه‌جرم بیگانگان و هنجارهای حقوق بین‌المللی کیفری قابل اعمال بر شرکت‌ها، نک. به: Katherine Gallagher, 'Civil litigation and transnational business: an Alien Tort Statute primer', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 745–767.

<sup>۵۹</sup> *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum*, 133 S. Ct. 1659, 2013. رأی مورد تجدیدنظر:

*Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Shell*, 621 F 3d 111 (Second Circuit), 2010. برای نگاه انتقادی به این رأی، نک:

Odette Murray, David Kinley, and Chip Pitts, 'Exaggerated rumours of the death of an alien tort? Corporations, human rights and the remarkable case of Kiobel', in *Melbourne Journal of International Law*, Vol. 12, No. 1, 2011, pp. 57–94; Julian G. Ku, 'The curious case of corporate liability under the Alien Tort Statute: a flawed system of judicial lawmaking', in *Virginia Journal of International Law*, Vol. 51, No. 2, 2010, pp. 353–396.

<sup>۶۰</sup> *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum*, 133 S. Ct. 1659, 1669 (Roberts CJ), 2013.

مشخص نیست، چه شرایطی واجد چنین ویژگی‌هایی خواهد بود اما صرف حضور شرکت در قلمروی ایالات متحده کفایت نمی‌کند.

<sup>۶۱</sup> amicus

<sup>۶۲</sup> برای نمونه، دولت‌های آلمان، انگلستان و هلند در رسیدگی اخیر پرونده کیوبل به عنوان همیار دادگاه وارد شده و استدلال کرده‌اند که دعاوی طرح شده بر اساس این قانون که مربوط به اقدامات فراسرزمینی بوده و ارتباط بسیار کمی با ایالات متحده دارند، مصونیت دولتی را نقض می‌کنند. شرکت‌های خواستار تفسیر مضیق از این قانون در پرونده‌های ریو تینتو، شورن و کوکاکولا وارد شده‌اند. برای بررسی کامل لوايح ارائه شده توسط همیاران دادگاه، نک.:

*Kiobel v Royal Dutch Petroleum*, available at: [www.scotusblog.com/case-files/cases/kiobel-v-royal-dutch-petroleum/? wpmp\\_switcher=desktop](http://www.scotusblog.com/case-files/cases/kiobel-v-royal-dutch-petroleum/? wpmp_switcher=desktop) (last visited 7 January 2013).

همچنین نگاه کنید به نظرات قاضی روبرت که ایرادات سایر دولت‌ها در مورد اعمال فراسرزمینی این قانون را به عنوان مدرکی در مورد اعتراض دیپلماتیک پیرامون این دعاوی بیان کرده و از فرض قانونی عدم اجرای فراسرزمینی این قانون دفاع می‌کند:

ATS: *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum*, 133 S. Ct. 1659, 1669.

داخلی خود برای رسیدگی به «جنایات بین‌المللی» به منظور مقابله با عاملان شرکتی و واکنش محتمل سایر دولت‌ها در صورت مبادرت به انجام چنین کاری، اعتقاد گزارشگر ویژه به اقدامات یک‌جانبه دولتی برای مقابله با نقض حقوق بین‌الملل کیفری توسط شرکت‌ها را زیر سؤال می‌برد.<sup>۶۳</sup>

علیرغم چنین موانع مهمی، در پرتو کار گزارشگر ویژه، به نظر می‌رسد که همچنان از حقوق بین‌الملل کیفری انتظار می‌رود که برای پیشبرد تبعیت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط عاملان شرکتی در مناطق درگیری و به عنوان مکانیزمی برای پاسخگویی در موارد نقض ایفای نقش کند.

بخش بعدی این مقاله به بررسی دو تحول اخیر در حقوق بین‌الملل کیفری می‌پردازد. نخست، در این مقاله نگاهی به نوع جدید مسوولیت که دیوان بین‌المللی کیفری منادی آن است، یعنی ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان می‌پردازیم. در بخش دوم، تاثیرات محتمل پیگرد موضوعی در رویه آینده‌ی بین‌المللی کیفری به اختصار بررسی می‌شود. در هر دو بخش بر مساله پیامد این تحولات، در صورت وجود، بر وعده‌ی حقوق بین‌الملل کیفری برای مقابله با شرکت‌های دخیل در جنایات بین‌المللی پرداخته می‌شود.

### انواع مسوولیت کیفری فردی و مساله‌ی شرکت‌ها

نظر به محدودیت محاکم برای پیگرد شرکت‌ها به عنوان اشخاص حقوقی و اصل زیربنایی مسوولیت فردی در حقوق بین‌الملل کیفری، توجه ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری به مساله شرکت‌ها معمولاً به امکان استفاده از اشکال موجود مسوولیت فردی برای تعقیب مقامات تجاری برای جنایات بین‌المللی معطوف شده است.<sup>۶۴</sup> این توجه نه فقط برای بیان چگونگی پیگرد این افراد، بلکه به هدف وضع اصول راهنمایی صورت گرفته است تا بر اقدامات ملی علیه اشخاص حقوقی به طور مستقیم تأثیر گذارد.<sup>۶۵</sup>

مطالعات بسیاری در مورد چگونگی بکارگیری انواع مختلف مسوولیت کیفری فردی برای پیگرد افراد در مقام عاملان شرکتی، از جمله در موضوعات اقدام مشترک کیفری، مسوولیت آمر و کمک و مساعدت انجام شده است.<sup>۶۶</sup> به جای بازگویی این ادبیات گسترده، در این بخش به دو وجه خاص از این تحول پرداخته می‌شود تا

---

<sup>۶۳</sup> در مورد چالش‌های ناظر بر پیگرد شرکت‌ها در حقوق داخلی برای جنایات بین‌المللی و پیامد تشویقی چنین اقدامی در سطح بین‌المللی، نک.:

Joanna Kyriakakis, 'Prosecuting corporations for international crimes: the role for domestic criminal law', in Larry May and Zachary Hoskins (eds), *International Criminal Law and Philosophy*, Cambridge University Press, Cambridge, 2010, pp. 108–137.

<sup>۶۴</sup> Hans Vest, 'Business leaders and the modes of individual criminal responsibility under international law', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 851–872; Norman Farrell, 'Attributing criminal liability to corporate actors: some lessons from the international tribunals', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 873–894; Christoph Burchard, 'Ancillary and neutral business contributions to "corporate-political core crime": initial enquiries concerning the Rome Statute', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 8, No. 3, 2010, pp. 934–945; Kyle Rex Jacobson, 'Doing business with the Devil: the challenges of prosecuting corporate officials whose business transactions facilitate war crimes and crimes against humanity', in *The Air Force Law Review*, Vol. 56, 2005, pp. 167–231; Chia Lehnardt, 'Individual liability of private military personnel under international criminal law', in *European Journal of International Law*, Vol. 19, No. 5, 2008, pp. 1015–1034.

<sup>۶۵</sup> See, e.g., the 2007 Report, above note 18, para. 23; N. Farrell, above note 62, pp. 874–876. [SEP]

<sup>۶۶</sup> See references in note 62, above. [SEP]

بتوان شمایی از اعمال مجرمانه را در شبکه‌های مشابه شرکت‌ها ترسیم کرد: از سویی، ظهور نوع جدید مسوولیت در سطح بین‌المللی یعنی ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان و ارتباط آن با بحث شرکت‌ها به دلیل جدید بودن آن؛ و از سوی دیگر استفاده از مسوولیت «کمک و مساعدت» در قضیه چارلز تیلور در دادگاه ویژه سیرالئون.<sup>۶۷</sup> با وجود آنکه نمی‌توان چارلز تیلور را به عنوان یک تاجر توصیف کرد، اما این قضیه از آن جهت شایان توجه است که بر وجوهی از مشارکت تیلور در فجایع ارتكابی در طول درگیری سیرالئون تاکید می‌کند، که مشابه اقدامات شرکت‌هاست.

### ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان

یکی از جدیدترین تحولات در رویه‌ی کیفری در مورد اشکال مسوولیت، پذیرش مفهوم ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان توسط دیوان بین‌المللی کیفری است.<sup>۶۸</sup> بر اساس این مفهوم، فرد را می‌توان به عنوان مرتکب اصلی یک جرم مسوول شناخت به شرط آنکه با وجود عدم حضور فیزیکی برای ارتکاب عنصر مادی جرم، فرد از کنترل خود بر یک سازمان به هدف تضمین وقوع جرم استفاده کرده‌باشد.<sup>۶۹</sup> این مفهوم، بر مبنای نظریه‌ی مسوولیت «کنترل جرم» که ابتدائاً در دکترین حقوقی آلمان شکل گرفت، توسعه یافته است.<sup>۷۰</sup> مفهوم ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان از ماده (الف) (۳) ۲۵ اساسنامه رم برمی‌آید که مقرر می‌دارد یک فرد برای جنایات مندرج در اساسنامه دارای مسوولیت کیفری است چنانچه آن فرد «مرتکب جرم شود خواه به تنهایی، یا با همراهی شخص دیگر یا توسط شخص دیگر، اعم از اینکه شخص اخیر از نظر کیفری مسوول

<sup>۶۷</sup> SCSL, *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor*, Case No. SCSL-03-01-T, Judgement (Trial Chamber II), 18 May 2012.

<sup>۶۸</sup> ICC, *Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui*, Case No. ICC-01/04-01/07, Decision on Confirmation of Charges (Pre-Trial Chamber I), 30 September 2008, paras. 494–518; ICC, *Prosecutor v. Omar Al-Bashir*, Case No. ICC-02/05-01/09, Decision on the Prosecutor's Application for an Arrest Warrant (Pre-Trial Chamber I), 4 March 2009, paras. 213–216.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که این نوع از مسوولیت به هدف مسوول دانستن فرماندهان نظامی و سیاسی در اسناد دیوان بین‌المللی کیفری آمده است. نک. به:

Gerhard Werle and Boris Burghardt, 'Indirect perpetration: a perfect fit for international prosecution of armchair killers?', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, No. 1, 2011, p. 85.

<sup>۶۹</sup> برای بررسی تحلیل دقیق از این نوع مسوولیت و منشأ و چگونگی اجرای آن در دیوان بین‌المللی کیفری، نک. به: Special Symposium in the *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, 2011, pp. 85–226; Neha Jain, 'The control theory of perpetration in international criminal law', in *Chicago Journal of International Law*, Vol. 12, No. 1, 2011, pp. 159–200; Florian Jessberger and Julia Geneuss, 'On the application of a theory of indirect perpetration in Al Bashir', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 6, No. 5, 2008, pp. 853–869; Hector Olasolo, *The Criminal Responsibility of Political and Military Leaders as Principles to International Crimes*, Hart Publishers, Oxford, 2009, pp. 116–134 and 302–330; Harmen G. van der Wilt, 'The continuous quest for proper modes of criminal responsibility', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 7, No. 2, 2009, pp. 307–314.

<sup>۷۰</sup> مشارکت مستقیم از طریق سازمان ابتدائاً توسط نظریه‌پرداز حقوقی آلمانی، کلاس راکسین با در نظر داشتن تجربه خاص جنایات رهبری‌شده دولتی نازی مطرح شد. نک. به:

Thomas Weigend, 'Perpetration through an organisation: the unexpected career of a german legal concept', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, No. 1, 2011, pp. 94–97.

باشد یا نباشد».<sup>۷۱</sup> در تفسیر این ماده کنترل ارتکاب یک جرم با استفاده از یک سازمان به عنوان ابزار تحقق جرم، نیز در شمول ماده در نظر گرفته شده است.<sup>۷۲</sup>

نظریه آلمانی کنترل جرم، که مفهوم ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان در دیوان بر مبنای آن شکل گرفته، نوعی نظریه مسوولیت است که به هدف دستگیری مرتکب «صندلی نشین» به عنوان مرتکب اصلی و به جای معاون جرم مطرح شده است.<sup>۷۳</sup> یکی از چالش‌های اصلی حقوق بین‌الملل کیفری تنظیم اشکال مسوولیت در مورد جنایات سازماندهی شده‌ای است که در بستر پیچیده سازمانی و جمعی ارتکاب می‌یابد تا بتواند مجرمیت حقوقی و اخلاقی را به درستی در سطوح مختلف سلسله مراتب افراد درگیر در جرم توزیع کند. بر خلاف بیشتر جرائم داخلی، معمولاً بدترین جنایات در حقوق بین‌الملل کیفری بوسیله افرادی ارتکاب می‌یابد که بسیار دورتر از هیاهوی تفنگ‌ها نشسته‌اند. ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان شکلی از مسوولیت است که مغزهای «صندلی نشین» این جنایات را نه به عنوان آمر یا برنامه‌ریز یا حامی ارتکاب جرم، بلکه به عنوان مرتکبان مستقیم و اصلی بازمی‌شناسد. این مفهوم ابزاری است که از طریق آن دیوان مسوولیت مستقیم را متوجه مرتکبان به عنوان اصیل در جرم، صرفنظر از حضور فیزیکی این افراد در محل ارتکاب جرم، می‌کند. در نتیجه، ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان بر این ایده بنا شده که اصیل و همدستان او از لحاظ حقوقی در سطحی متفاوت از سرزنش اخلاقی قرار دارند؛ ایده‌ای که مورد چالش نیز قرار گرفته است.<sup>۷۴</sup> دیوان با پذیرش این مفهوم، آشکارا این تفسیر را برگزیده که اشکال مختلف مسوولیت مندرج در ماده (۳) ۲۵ بیانگر سلسله مراتب تقبیح اخلاقی است.<sup>۷۵</sup>

ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان که در برخی نظام‌های حقوقی نیز یافت می‌شود، در رویه بین‌المللی بسیار جدید است. در گذشته، مفهوم اقدام مشترک کیفری، ابزار اصلی برای توجه مسوولیت به افرادی بود که در یک بستر جمعی، در بالاترین سطح ممکن تصمیمی اتخاذ کرده که به ارتکاب جنایت بین‌المللی منجر می‌شد.<sup>۷۶</sup> با این حال، با وجود آنکه اقدام مشترک کیفری در محاکم ویژه مورد استفاده قرار گرفته، دیوان

---

<sup>۷۱</sup> *Rome Statute of the International Criminal Court*, opened for signature 17 July 1998, 2187 UNTS 90 (entered into force 1 July 2002), Article 25(3)(a) (emphasis added) (hereinafter Rome Statute). [SEP]

<sup>۷۲</sup> See case references contained in above note 66. For a rejection of the idea that indirect perpetration through an organisation can be derived from the language of Article 25(3)(a), see [SEP] ICC, *Prosecutor v. Mathieu Ngudjolo Chui*, Case No. ICC-01/04-02/12, Judgement Pursuant to Article 74 of the Statute, Concurring Opinion of Judge Christine Van den Wyngaert (Trial Chamber II), 18 December 2012

<sup>۷۳</sup> G. Werle and B. Burghardt, above note 66, pp. 85–89. [SEP]

<sup>۷۴</sup> See, e.g., Concurring Opinion of Judge Christine Van den Wyngaert, above note 70, paras. 24–26.

[SEP]

<sup>۷۵</sup> Gerhard Werle, 'Individual criminal responsibility in Article 25 ICC Statute', in *Journal of International [SEP] Criminal Justice*, Vol. 5, 2007, pp. 953–975. Confirming the adoption by the ICC of a hierarchical reading of Article 25, see ICC, *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, Case No. ICC-01/04-01/06, Judgement (Trial Chamber I), 14 March 2012, paras. 996–999. Dissenting on this issue, see the Separate Opinion of Judge Fulford, paras. 6–12. See also Concurring Opinion of Judge Christine Van den Wyngaert, above note 63, paras. 22–30. [SEP]

<sup>۷۶</sup> برای بررسی مفهوم اقدام مشترک کیفری و مقایسه چگونگی کاربرد آن در رویه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و ارتکاب غیرمستقیم در رویه دیوان بین‌المللی کیفری، نک. به:

بین‌المللی کیفری این دکتین را در رویه خود رد کرد و به جای آن مفهوم پیچیده همکاری در ارتکاب جرم و ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان را بر مبنای مفهوم کنترل جرم برگزیده است.<sup>۷۷</sup> صرفنظر از مساله درجات تقبیح این جنایات، درج مفهوم ارتکاب جنایت بوسیله «شخص دیگر» در ماده (الف)(۳) ۲۵، برخی نظریه‌پردازان را بر آن داشت که در اوایل شروع به کار دیوان پیشنهاد کنند که این نوع از مسوولیت ممکن است ارزش خاصی در تعقیب مقامات شرکتی که با استفاده ابزاری از یک سازمان تجاری مرتکب جرم می‌شوند، داشته باشد.<sup>۷۸</sup> در نگاه اول به نظر می‌رسد که این مفهوم با توجه به تمرکز بر ساختارهای سازمانی به عنوان وسیله جرم، انعکاسی باشد از وضع شرکت‌ها. برای نمونه دادگاه‌های نظامی آمریکایی در نورمبرگ، تخلفات صاحبان صنایع در طول جنگ جهانی دوم را به ارتکاب جنایت از طریق استفاده ابزاری از دغدغه‌های شرکت‌های توصیف کردند،<sup>۷۹</sup> که بیانگر وجود مفهومی مشابه با ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان است.<sup>۸۰</sup> به‌علاوه مفاهیم زیربنایی ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان مشابه مفاهیمی است که در ادبیات مربوط به مسوولیت کیفری شرکت‌ها یافت می‌شود. برای نمونه، به نظر اوسیل یکی از نقاط قوت مفهوم ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان شناسایی این مساله است که چگونه افرادی که کنترل منابع سازمانی را در اختیار دارند، می‌توانند این منابع را برای ارتکاب فجایع گسترده از طریق زیردستان مطیع خود بکار برند.<sup>۸۱</sup> به همین‌سان، ارتکاب جرم در یک بستر شرکتی را می‌توان از سایر اشکال جرائم داخلی تفکیک کرد، بر این مبنای که چنین جرمی معمولاً با استفاده از منابع گسترده برای دستیابی به هدف خاص ارتکاب می‌یابد. جرائم شرکتی، به دلیل استفاده از منابع (انسانی و غیرآن) منجر به ورود زبان‌های اجتماعی بسیار گسترده‌تر از سایر اشکال جرم می‌شود.

علاوه بر این موارد، ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان به بحث نهادهایی که حیاتشان مستقل از تغییرات اعضای آن است، مرتبط می‌باشد.<sup>۸۲</sup> فیس و بریثویت نیز در انتقادهای خود از تلاش‌های معطوف به فردی کردن پاسخگویی در جرائم شرکتی مشابه همین نظر را مطرح کرده و نشان می‌دهند که چگونه شرکت‌های

---

Stefano Manacorda and Chantal Meloni, 'Indirect perpetration versus joint criminal enterprise: concurring approaches in the practice of international criminal law', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, 2011, pp. 159–178.

همان، ص. ۱۶۳.<sup>۷۷</sup>

<sup>۷۸</sup> Andrew Clapham, 'The complexity of international criminal law: looking beyond individual responsibility to the responsibility of organizations, corporations and states', in Ramesh Chandra Thakur and Peter Malcontent (eds), *Sovereign Impunity to International Accountability: the Search for Justice in a World of States*, United Nations Press, Tokyo, 2004, p. 239.

<sup>۷۹</sup> US v. Krauch et al. پاورقی شماره ۱۵، صص. ۱۰۹۶، ۱۱۰۸ و ۱۲۹۷. البته گاهی دادگاه متهمان را به عنوان وسیله ارتکاب برای سازمان معرفی می‌کند. ۲۲، ۱۱۴۷ و ۱۱۵۲.

<sup>۸۰</sup> شایان ذکر است که مکانیزم دقیق استفاده ابزاری صاحبان صنایع از این مؤسسات و ارتباط این مساله با مسوولیت کیفری آن‌ها به نحو مشخصی در دادگاه نظامی آمریکایی تبیین نشد. اما نکته مهم آن است که این مکانیزم حاوی عناصر مندرج در ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان نبود. برای بررسی عناصر مسوولیت در این پرونده‌ها، نک. به:

. K. R. Jacobson, above note 62, pp. 177–195 and 210–212.

<sup>۸۱</sup> Mark Osiel, *Making Sense of Mass Atrocity*, Cambridge University Press, Cambridge, 2009, p. 95.

<sup>۸۲</sup> N. Jain, above note 67, p. 171; H. Olasolo, above note 67, pp. 119–120. 

تجاری به انحاء مختلف، مستقل از اعضای متغیرشان به حیات خود بی‌هیچ تغییری ادامه می‌دهند.<sup>۸۳</sup> در نهایت، محوریت مساله «کنترل» در مفهوم ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان ابزاری است برای از میان برداشتن حجاب شرکتی به هدف یافتن فرد مرتکب در پس این ساختار سازمانی. این ویژگی، از لحاظ مفهومی مشابه محوریت عنصر کنترل برای رفع حجاب شرکتی برای شناسایی شرکت مادر در گروه‌های شرکتی می‌باشد.<sup>۸۴</sup>

علیرغم وجود این شباهت‌های مفهومی، ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان در شکل مضیق آن، به آسانی به جرائم ارتكابی در بستر شرکتی توسعه نمی‌یابد. ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان در ابتدا توسط نظریه پرداز حقوقی آلمانی، کلاس راکسین، و با در نظر داشتن تجربه خاص جنایات رهبری شده دولتی نازی مطرح شد.<sup>۸۵</sup> بر طبق نظریه محض راکسین، هنگامی فرد به عنوان اصیل در یک اقدام مجرمانه مسوول شناخته می‌شود که ابزار اعمال قدرت سازماندهی شده‌ای در اختیار داشته باشد که ارتکاب جرم از آن طریق را بدون داشتن دغدغه در مورد امکان تغییر عقیده مرتکب مستقیم عنصر مادی یا وقوع اتفاقات پیش‌بینی نشده محقق می‌کند.<sup>۸۶</sup> برای تحقق چنین جرمی در نظریه راکسین، سه عنصر اصلی بایستی وجود داشته باشند: (۱) سازمانی با ساختار تفکیک عمودی، (۲) امکان جایگزینی مجرم مستقیم و (۳) مجزا بودن سازمان از قانون.<sup>۸۷</sup> بکارگیری هریک از این عناصر، که در همبستگی با یکدیگر شرایط لازم برای کنترل را مهیا می‌کنند، در حوزه شرکت‌ها با چالش‌هایی همراه است.

در مورد شرط نخست، اولاسولو معتقد است که یک ساختار سازمانی با سلسله مراتبی خشک که بیشترین حد امکان اعمال کنترل را فراهم می‌کند، بیشتر در واحدهای نظامی دیده می‌شود تا در شرکت‌ها؛ چرا که در شرکت‌ها، تقسیم کار بر مبنای به حداکثر رساندن تولید صورت می‌گیرد و نه برای رسمیت‌دادن به فرهنگ فرمانبرداری از مافوق.<sup>۸۸</sup> ابهام در خطوط سازمانی در ساختار شرکت‌ها گاه ممکن است هرگونه تلاش برای شناسایی سلسله مراتب دقیق سازمانی را بی‌اثر سازد.<sup>۸۹</sup> همچنین در مورد وجود درجه لازم از کنترل نیز این ابهام وجود دارد، برای نمونه، آیا این کنترل در اختیار اعضای هیات مدیره یک شرکت است یا با وجود سهامداران کم‌رنگ شده است. با گسترده‌تر کردن افق دید خود در مورد گروه شرکت‌های فراملی، در می‌یابیم که این شرکت‌ها معمولاً بر مبنای روابط قراردادی بین نهادهای تجاری مستقل پیشین، به صورت افقی

---

<sup>۸۳</sup> Brent Fisse and John Braithwaite, *Corporations, Crime and Accountability*, Cambridge University Press, Cambridge, 1993, pp. 17–58.

<sup>۸۴</sup> برای بررسی انتقادی مبنای از میان برداشتن حجاب شرکتی، نک. به:

Peter Muchlinski, 'Limited liability and multinational enterprises: a case for reform?', in *Cambridge Journal of Economics*, Vol. 34, 2010, pp. 915–928.

<sup>۸۵</sup> T. Weigend, above note 68, pp. 94–97; F. Jessberger and J. Geneuss, above note 67, pp. 859–862.

[L]  
[SEP]

<sup>۸۶</sup> N. Jain, above note 67, p. 171. [L]  
[SEP]

<sup>۸۷</sup> *Ibid.*, pp. 173–178. [L]  
[SEP]

H. Olasolo, above note 67, p. 134. [L]  
[SEP]

شایان ذکر است که شرکت‌های خصوصی نظامی نیز احتمالاً دارای ساختارهای مشابه، البته نه یکسان، با نهادهای نظامی هستند. نک. به:

C. Lehnardt, above note 61, [L]  
[SEP] p. 1026. [L]  
[SEP]

<sup>۸۹</sup> B. Fisse and D. Braithwaite, above note 81, pp. 36–41. [L]  
[SEP]

تفکیک می‌شوند، نه به صورت عمودی و بر مبنای مالکیت سهام. این ویژگی اعمال خشک معیار سلسله مراتب در چنین بخشی را با مشکل مواجه می‌کند. با این حال، حتی در چنین تفکیک افقی، اعمال کنترل به دلیل وابستگی اقتصادی گروه‌های شرکتی وجود دارد.<sup>۹۰</sup>

عنصر دوم، یا قابلیت جایگزینی ناشی از این تفکر است که مرتکب غیرمستقیم از فرمانبرداری خودکار از اراده خود که از طریق کنترل سازمانی اعمال می‌شود، اطمینان دارد چرا که مرتکب عمل مادی جرم اساساً قابل جایگزینی است. به دیگر سخن، اگر فردی از انجام عمل مجرمانه خودداری کند، مرتکب غیرمستقیم مطمئن است که دیگران این کار را انجام خواهند داد. شدت خلوص افراد مستقر در طبقات پایین‌تر یک سازمان و همچنین ماهیت خاص سازمان برای تضمین فرمانبرداری (نک. به شروط ۱ و ۳ در فوق) وجود چنین وضعیتی را ثابت می‌کند.<sup>۹۱</sup> اما در یک شرکت، بر خلاف دولت، ارتش یا سازمان‌های مافیایی، (احتمال) وجود شمار کمتری از اعضا در سطوح پایین<sup>۹۲</sup> و (احتمال) لازم بودن مهارت در انجام وظایف، جایگزینی افراد را سخت می‌کند.

سومین شرط نظریه راکسین یعنی جدا بودن از قانون، به طور خاص شرکت‌ها را از شمول این مفهوم خارج می‌کند. به نظر راکسین، مرتکبان غیرمستقیم هنگامی درجه ضروری برای کنترل سازمانی را در اختیار دارند که آن سازمان در کلیت، خارج از نظام حقوقی فعالیت کند.<sup>۹۳</sup> به نظر جین، در مواردی که یک سازمان نظم حقوقی مستقل از خود را به رسمیت می‌شناسد دیگر نمی‌توان از وجود درجه لازم برای کنترل سخن گفت چرا که قرار گرفتن قانون در مرتبه بالاتر، غیرقابل اجتناب بودن فرمانبرداری افراد در سطوح پایین سلسله مراتب سازمانی را منتفی می‌کند.<sup>۹۴</sup> به بیان دیگر، آنگاه که سازمان مورد نظر در محدوده قانون فعالیت می‌کند، مرتکب غیرمستقیم از درجه کافی از تسلط بر عمل (به معنای کنترل اقدامات مرتکب) مجرمانه برخوردار نیست.<sup>۹۵</sup> نهادهای تجاری، ماهیتاً در نظام‌های حقوقی ایجاد و توصیف می‌شوند (به این معنا که تابع قانون هستند) و در نتیجه این معیار در مورد آن‌ها قابل اعمال نیست.<sup>۹۶</sup>

علیرغم خروج جرائم ارتكابی از سوی سازمان‌های تجاری قانونی از نظریه محض راکسین، این امکان وجود دارد که اصول ارتكاب غیرمستقیم از طریق سازمان توسط دیوان بین‌المللی کیفری تغییر پیدا کرده بگونه‌ای

---

<sup>۹۰</sup> Graf-Peter Calliess, 'Introduction: transnational corporations revisited', in *Indiana Journal of Global Legal Studies*, Vol. 18, No. 2, 2011, pp. 604–605.

<sup>۹۱</sup> N. Jain, above note 67, pp. 174–177. [SEP]

<sup>۹۲</sup> See H. Olasolo, above note 67, p. 134 [SEP]

اما در مورد اعمال مفهوم جایگزینی در مواردی که تعداد محدودی از مرتکبان بالقوه وجود دارد و پیشنهاد گزینش یک رویکرد هنجارین به جای واقع‌گرا، نک به:

Kai Ambos, 'The Fujimori judgment: a president's responsibility for crimes against humanity as indirect perpetrator by virtue of organized power apparatus', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, No. 1, 2011, pp. 154–156.

<sup>۹۳</sup> Gerhard Werle, Boris Burghardt, and Claus Roxin, 'Crimes as part of organized power structures: introductory note', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, No. 1, 2011, p. 202.

<sup>۹۴</sup> N. Jain, above note 67, p. 173. [SEP]

<sup>۹۵</sup> همان منبع. برای بررسی انتقادات کی آمبوس بر عنصر سوم ارتكاب مستقیم از طریق سازمان، نک. به صص ۱۷۸ – ۱۷۷

<sup>۹۶</sup> See also H. Olasolo, above note 67, p. 134. [SEP]



که امکان تعقیب چنین جنایاتی را در موارد مقتضی فراهم آورد. برای نمونه، دادگاه فدرال آلمان دکتترین راکسین را، با تصریح بر ارتباط بالقوه آن با جرائم ارتكابی توسط شرکت‌ها، با اندکی تغییر پذیرفته است.<sup>۹۷</sup> شرط جدا بودن از قانون، نه در دادگاه فدرال آلمان و نه در دیوان بین‌المللی کیفری، به عنوان عنصری مجزا برای مسوولیت در نظر گرفته نشده است.<sup>۹۸</sup> علاوه بر این، دیوان تمایل خود را به کم‌رنگ کردن شرط قابلیت جایگزینی نشان داده است؛ دیوان با در نظر گرفتن سایر عوامل در ابعاد گسترده‌تر، همانند وجود تکنیک‌های آموزشی اجباری که به فرمانبرداری بیشتر دامن می‌زند، اطمینان روسای یک سازمان از فرمانبرداری خودکار را ثابت می‌کند.<sup>۹۹</sup> اگرچه چنین تفسیر گسترده‌ای از عنصر قابلیت جایگزینی در شرکت‌های نظامی خصوصی قابل اعمال است، اما به نظر نمی‌رسد در بخش تجاری کاربرد داشته باشد. با این حال، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا قابلیت جایگزینی را می‌توان تا آن حد کم‌رنگ کرد که شامل فشارهای اقتصادی و توقعات سازمانی گردد بگونه‌ای که افراد در پایین‌ترین سطوح شرکت‌ها را ملزم به تبعیت کند.<sup>۱۰۰</sup>

چنانچه مفهوم «ارتكاب غیرمستقیم از طریق سازمان» را نه فقط به عنوان یک مدل مسوولیت کیفری فردی، بلکه به عنوان حرکتی در جهت مسوول دانستن شرکت‌ها بدانیم، بینشی که از شرایط کنترل به دست می‌دهد، قابل استفاده بر وضعیت شرکت‌ها در یک شرکت گروهی است. فان در ویلت معتقد است، به این طریق نظریه ارتكاب غیرمستقیم از طریق سازمان تغییر کرده - برای نمونه، اعمال آن در مورد گروه‌های مسلح حاضر در درگیری‌های آفریقا- تا بقا و تداوم کارآیی آن در حقوق بین‌الملل کیفری تضمین یابد.<sup>۱۰۱</sup> حتی اگر مفهوم ارتكاب غیرمستقیم از طریق سازمان مستقیماً بر بسیاری از شرکت‌ها قابل اعمال نباشد، به

---

<sup>۹۷</sup> T. Weigend, above note 67, p. 99; [SEP] Gerhard Werle and Boris Burghardt, 'The German Federal Supreme Court (Bundesgerichtshof, BGH) on indirect perpetration: introductory note', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, No. 1, 2011, p. 210; German Federal Supreme Court (Bundesgerichtshof), 'Judgement of 26 July 1994 against Former Minister of National Defence Keßler and Others', trans. Belinda Cooper, in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 9, No. 1, 2011, pp. 224-225.

مفهوم مشابه، اما نه یکسان، در مورد عنصر جایگزین در حقوق هلند در حوزه جرائم اقتصادی توسعه یافته است. نک. به:

Harmen van der Wilt, 'Joint criminal enterprise and functional perpetration', in Andre Nollkaemper and Harmen van der Wilt (eds), *System Criminality in International Law*, Cambridge University Press, Cambridge, 2009, pp. 176-181.

<sup>۹۸</sup> G. Werle and B. Burghardt, above note 95, p. 210; [SEP]

در مورد این عناصر در رویه دیوان بین‌المللی کیفری، نک. به:

*Prosecutor v. Katanga and Chui*, above note 66, paras. 494-518.

<sup>۹۹</sup> *Ibid.*, para. 518; N. Jain, above note 67, pp. 186-187. [SEP]

<sup>۱۰۰</sup> برای بررسی چگونگی ایجاد فرمانبرداری در شرکت‌ها. نک. به:

Maurice Punch, 'Why corporations kill and get away with it: the failure of law to cope with crime in organisations', in Andre Nollkaemper and Harmen van der Wilt (eds), *System Criminality in International Law*, Cambridge University Press, Cambridge, 2009, pp. 42-68.

<sup>۱۰۱</sup> H. van der Wilt, above note 67, p. 312. [SEP]

در مورد ارتكاب غیرمستقیم از طریق سازمان به عنوان گونه‌ای از مسوولیت که بیشتر سیاست‌گذاری‌ها در مورد جنایات سازمان‌یافته  
پیردازد، نک. [SEP] T. Weigend, above note 68, p. 101.

برای دیدن بحثی در مورد لزوم اعمال محدود این نوع از مسوولیت در رویه دیوان. نک. به: T. Weigend, above note 68, pp.

نظر برت استوارت، این مفهوم گامی در جهت مسوولیت شرکت‌ها است چراکه بیانگر تبدیل مفهوم طبیعت‌گرا از کنش به مفاهیم اجتماعی از آن در حقوق کیفری می‌باشد.<sup>۱۰۲</sup> با این وجود، همانگونه که گفته شد، در حال حاضر، مفهوم ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان در دیوان بین‌المللی کیفری، فرد را در بستر سلسله مراتب قبح اخلاقی، به عنوان مرتکب اصلی جرم مسوول می‌داند. تا زمانی که قائل به وجود مراتب تقبیح اخلاقی باشیم، این استدلال مهم مطرح می‌شود که ملزومات این نوع از مسوولیت نبایستی کمرنگ شود اگر قرار است وسیله‌ای برای تمییز افرادی باشد که بیشترین مجرمیت را از لحاظ اخلاقی دارند. اگرچه می‌توان عاملان شرکتی را یافت که بیشترین حد مسوولیت در ارتکاب جنایات را داشته و در نتیجه موضوع مناسبی برای چنین شکلی از مسوولیت اصیل هستند، اما واقعیت آن است که در بیشتر مواقع عاملان تجاری در ارتکاب جنایات بین‌المللی همدست هستند. در نتیجه، معمولاً مفهوم معاونت، و به طور خاص کمک و مساعدت، قابل استفاده در مورد شرکت‌ها است. در بخش بعد تحولات فعلی در اشکال مسوولیت، برای بررسی وجود چنین قابلیت‌هایی، به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### کمک و مساعدت و حکم تیلور

کمک و مساعدت در ارتکاب جرم، نوعی از مسوولیت انشقاقی برای فردی است که به دیگری در ارتکاب جرم کمک می‌کند. در مورد نحوه اعمال جرم «مساعدت» در دیوان بین‌المللی کیفری ابهاماتی وجود دارد. ماده (ج) (۳) ۲۵ اساسنامه رم مقرر می‌دارد که فرد برای جنایات مندرج در اساسنامه واجد مسوولیت کیفری است در جاییکه آن فرد «به هدف تسهیل ارتکاب چنین جنایتی، مساعدت یا هرگونه کمک در ارتکاب یا شروع به جرم از جمله از طریق ارائه وسایل ارتکاب جرم نماید.»

نخست، این پرسش مطرح می‌شود که آیا «کمک و مساعدت» با خوانش عمودی از انواع مسوولیت مندرج در ماده ۲۵ و قصد دیوان برای پیگرد کسانی که بیشترین مسوولیت در جنایات بین‌المللی را دارند، سازگار است. به بیان دیگر، اگر اشکال مشارکت اصیل و نه مسوولیت تبعی بهترین توصیف از تصویر یا معماری کلی جنایات بین‌المللی باشد و اگر دیوان بین‌المللی کیفری در حله نخست اشخاص دارای بیشترین مسوولیت را تحت پیگرد قرار می‌دهد، آیا مسوولیت ثانویه توصیف درستی از انواع مسوولیت در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی کیفری است؟

نکته دوم در مورد ابهام شرط مندرج در ماده (ج) (۳) ۲۵ است که مقرر می‌دارد اقدام معاون در حمایت از عمل دیگری بایستی به هدف کمک در ارتکاب جنایت باشد؛ شرطی که با معیارهای حقوق بین‌الملل عرفی در این مورد مغایرت دارد.<sup>۱۰۳</sup> بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، صرف ارائه کمک در شرایطی که فرد می‌داند با عملش احتمالاً به ارتکاب جنایات بین‌المللی کمک خواهد کرد، کفایت می‌کند.<sup>۱۰۴</sup> لازم دانستن قصد خاص و

<sup>۱۰۲</sup> 'Discussion', in *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 6, No. 5, 2008, pp. 950–951 (comments of Bert Swart); but see also p. 958 (response of Thomas Weigend).

<sup>۱۰۳</sup> شایان ذکر است که هیچ انتظاری نمی‌رود که دیوان بین‌المللی کیفری اصول خود را در هماهنگی با حقوق بین‌الملل عرفی اعمال کند.

نک. به ماده ۲۱ اساسنامه رم

<sup>۱۰۴</sup> برای بررسی معیار «کمک و مساعدت» در حقوق عرفی، نک. به ICJ Expert Panel, above note 11, pp. 17–24.

نه صرفاً آگاهی باعث می‌شود که مفهوم «مساعدت» به سختی بر بخش تجاری قابل اعمال باشد؛ جایی که افراد معمولاً بر مبنای نفع شخصی عمل می‌کنند.<sup>۱۰۵</sup>

برعکس سکوت دیوان بین‌المللی کیفری، رأی اخیر دادگاه ویژه سیرالئون در قضیه دادستان علیه چارلز گانکی تیلور<sup>۱۰۶</sup> اساساً بر مفهوم مساعدت استوار است. این پرونده، نمونه جالبی است برای نشان دادن چگونگی معاونت یک مقام عالی‌رتبه در ارتکاب جنایات بین‌المللی و اینکه در حقوق بین‌الملل عرفی کدامیک از مبادلات تجاری ممکن است در حوزه این نوع از مسوولیت قرار گیرد.

چارلز تیلور، رئیس جمهور پیشین لیبریا بود که برای شرکتش در جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی که توسط اعضای برخی از گروه‌های شورشی سیرالئون، همانند جبهه متحد انقلابی ارتکاب یافته بود، تحت پیگرد قرار گرفت. تلاش‌های دادستان برای اثبات مسوولیت کیفری فردی تیلور بر مبنای صدور فرمان یا تحریک به جنایات گروه‌های شورشی بر مبنای مسوولیت آمر، ناکام ماند چرا که به نظر دادگاه، با وجود تاثیرگذار بودن تیلور بر اقدامات گروه‌های شورشی، در نهایت وی از ساختار عملی موجود فرماندهی گروه‌های شورشی خارج بود.<sup>۱۰۷</sup> با وجود آنکه دادستان توانست ثابت کند که تیلور و جبهه متحد، شریک تجاری یکدیگر بودند، اما شواهد کافی برای اثبات وجود یک برنامه برای اقدام مشترک کیفری،<sup>۱۰۸</sup> نوعی از مسوولیت که گروهی از افراد یک برنامه مشترک مجرمانه را اجرا می‌کنند، وجود نداشت.<sup>۱۰۹</sup>

در عوض، نقش تیلور به نظر دادگاه بسیار مشابه نقش سرمایه‌دار تجاری و تسهیل‌گر جنایات بین‌المللی بود. بر طبق معیار مورد استفاده دادگاه ویژه سیرالئون برای «مساعدت»، مجرم بایستی کمک قابل توجهی برای ارتکاب جرم کرده و بداند یا احتمال دهد که چنان اقدامی به ارتکاب جنایات کمک خواهد کرد.<sup>۱۱۰</sup> دادگاه با

---

تحول مهم از زمان نوشتن این مقاله، آرای دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق است که «جهت خاص» را به عنوان یکی از عناصر عنصر مادی جرم کمک و مساعدت در نظر می‌گیرد. این عنصر جدید مقرر می‌دارد که برای تحقق معاونت بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری، شخص نه تنها بایستی مبادرت به کمک مؤثر در ارتکاب جنایات بین‌المللی کرده‌باشد، بلکه چنین کمکی باید به طور خاص به جهت کمک به ارتکاب چنان جنایتی صورت گرفته باشد. نک. به:

ICTY, *Prosecutor v. Momčilo Perišić*, Case No. IT-04-81-A, Judgement (Appeal Chamber), 28 January 2013; ICTY, *Prosecutor v. Jovica Stanišić and Franko Simatović*, Case No. IT-03-69-T, Judgement (Trial Chamber I), 30 May 2013.

تحلیل تاثیرات این آرا در ورای چهارچوب این مقاله جای دارد، با این حال، طرح «جهت خاص» تاثیرات مهمی بر تحقق جرم کمک و مساعدت در بستر تجاری و رابطه آن با جنایات بین‌المللی خواهد داشت.

<sup>۱۰۵</sup> با پذیرش مباحث مربوط به متن ماده ناظر بر کمک و مساعدت بر اساسنامه رم و در عین حال استدلال در مورد تاثیرات کم آن در عمل برای اجرا در مورد شرکت‌ها

ICJ Expert Panel, above note 11, pp. 22–24.

<sup>۱۰۶</sup> *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor*, above note 65. [SEP] [SEP]

<sup>۱۰۷</sup> *Ibid.*, paras. 6972–9686. [SEP] [SEP]

<sup>۱۰۸</sup> ICJ Expert Panel, above note 11, paras. 6887–6900. [SEP]

<sup>۱۰۹</sup> برای بررسی دقیق اقدام مشترک کیفری در رویه دیوان‌های ویژه، نک. به:

Gideon Boas, James Bischoff, and Natalie Reid, *International Criminal Law Practitioner Library Volume 1: Forms of Responsibility in International Criminal Law*, Cambridge University Press, Cambridge, 2007, pp. 8–141.

<sup>۱۱۰</sup> *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor*, above note 65, para. 6904. [SEP]

بررسی مفصل دست داشتن تیلور در تجارت غیرقانونی الماس گروه‌های شورشی به این نتیجه می‌رسد که تیلور با ارائه تجهیزات، سوخت و کارکنان لازم برای معادن، تجارت شورشیان را تسهیل کرده است.<sup>۱۱۱</sup> مسوولیت فردی تیلور برای کمک و مساعدت به جنایات گروه‌های شورشی، از طریق تسهیل و فراهم‌نمودن منظم سلاح و مهمات در مقابل الماس، حمایت مالی از عملیات، استفاده از خانه‌های دولتی برای تسهیل انتقال، ارائه پناهگاه‌های امن برای شورشیان، آموزش روش‌های ارتباطی و حمایت‌های پشتیبانی و پزشکی به نیروهای شورشی ناقض حقوق، تحقق یافت. عنصر مشترک در این موارد، حمایت، تداوم و تقویت توان و ظرفیت جبهه متحد برای ادامه عملیات نظامی‌ای بود که در خلال آن، این جنایات ارتکاب یافتند.<sup>۱۱۲</sup> دادگاه ویژه سیرالئون در خصوص ارائه سلاح، سهم تیلور را در مسلح کردن جبهه متحد، مهم و اساسی قلمداد کرد چرا که جبهه متحد به طور منظم و در سطح گسترده‌ای به این حمایت وابسته بوده و نقش سایر حامیان در مقایسه با متهم بسیار اندک بوده است.<sup>۱۱۳</sup> عمل مجرمانه تیلور، شباهت‌های بسیار با مواردی دارد که گروه تخصصی کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان به عنوان خطرات حقوقی در مورد عاملان شرکتی و معاونت آنان در جنایات بین‌المللی شناسایی کرده بودند؛ مواردی همچون ارائه کالا و خدمات به مرتکبان جنایات بین‌المللی و معامله با مرتکبان جنایات بین‌المللی.<sup>۱۱۴</sup>

در خصوص عنصر معنوی جرم «مساعدت»، دادگاه ویژه سیرالئون اعلام کرد که متهم از ماهیت فجایع ارتكابی جبهه متحد علیه جمعیت غیرنظامی آگاه بوده و علیرغم این آگاهی، به حمایت خود ادامه داده است.<sup>۱۱۵</sup> آگاهی گسترده عموم مردم از ماهیت اقدامات جبهه متحد، یکی از عوامل مهم در اثبات آگاهی تیلور از داشتن نقشی مهم در ارتکاب جنایات بین‌المللی بود.<sup>۱۱۶</sup> دادگاه هیچ تحقیقی در مورد مقاصد شخصی تیلور را برای صدور حکم لازم ندانست. همچنین، جالب توجه است که در صدور حکم مجازات تیلور به ۱۵ سال حبس، دادگاه ویژه سیرالئون اعلام کرد که سوءاستفاده تیلور از درگیری سیرالئون برای اهداف مالی از عوامل مشدده است.<sup>۱۱۷</sup> در نتیجه، رأی تیلور نمونه مناسبی است که نشان دهد چگونه مبادلات تجاری با جنایتکاران بدنام می‌تواند منجر به تحقق جرم «مساعدت» در جنایات بین‌المللی شود.

با توجه به ارتباط خاص جرم «مساعدت» با مساله مشارکت شرکت‌ها در جنایات بین‌المللی، بایستی در انتظار تفسیر دیوان بین‌المللی کیفری از ماده (ج)(۳) ۲۵ ماند: آیا این ماده در راستای رویکرد دادگاه ویژه سیرالئون تفسیر می‌شود یا قصد خاص به عنوان عنصر مجزایی برای مسوولیت تبعی در نظر گرفته خواهد شد؟ البته، تا زمانی که ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان، شکل مورد ترجیح مسوولیت در دیوان

<sup>۱۱۱</sup> *Ibid.*, paras. 5843–6149. [SEP]

<sup>۱۱۲</sup> همان، بندهای ۶۹۵۳-۶۹۰۶. تیلور همچنین برای برنامه‌ریزی برخی حمله‌های شورشیان محکوم شد. همان، بندهای ۶۹۷۱-۶۹۵۴.

<sup>۱۱۳</sup> *Ibid.*, paras. 6913–6914.

<sup>۱۱۴</sup> ICJ Expert Panel, above note 11, pp. 37–43. [SEP]

<sup>۱۱۵</sup> *Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor*, above note 65, paras. 6947–6952.

<sup>۱۱۶</sup> *Ibid.*, paras. 6948 and 6950.

<sup>۱۱۷</sup> SCSL, *Prosecutor v Charles Ghankay Taylor*, Case No. SCSL-03-01-T, Sentencing Judgement (Trial Chamber II), 30 May 2012, para. 99.

سایر عوامل مشدده، سوءاستفاده تیلور از موقعیت سیاسی خود و جایگاه خاصش به عنوان رئیس یک دولت بود.

بین‌المللی کیفری باشد، جای بحث بیشتر در مورد چگونگی اعمال آن برای پیگرد مرتکبان اصلی جنایات بین‌المللی در دنیای تجارت درگیر باز خواهد ماند.

### پیگردهای موضوعی و «نسل چهارم» حقوق بین‌الملل کیفری

روند دیگر حقوق بین‌الملل کیفری که می‌تواند برای استفاده در ابعاد تجاری درگیری کاربرد داشته باشد، «پیگرد موضوعی» است.<sup>۱۱۸</sup> این عبارت، به رویه دادستان در گزینش برخی از جنایات و اولویت دادن به پدیده‌های خاصی در کیفرخواست‌های بین‌المللی، معمولاً به هدف استفاده بهینه از منابع محدود،<sup>۱۱۹</sup> و گاهی برای اهداف نمادین و جلب توجه به یک موضوع خاص از نگرانی‌های بین‌المللی، اشاره دارد.<sup>۱۲۰</sup> دگزمان، پیگرد موضوعی را «جهت دهی پرونده حول وجوه خاصی از مجرمیت» تعریف می‌کند.<sup>۱۲۱</sup> نمونه‌های این رویه، شامل توجه به مساله کودک سرباز،<sup>۱۲۲</sup> خشونت‌های جنسی در درگیری‌ها،<sup>۱۲۳</sup> و حمله به نیروهای حافظ صلح است.<sup>۱۲۴</sup> ادبیات ناظر بر تحلیل توجیهات و مقتضیات پیگرد موضوعی بسیار نوظهور است.<sup>۱۲۵</sup> اما کیفرخواست‌های اولیه دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که پیگرد موضوعی احتمالاً در آینده به صورت رویه درخواست‌آمده.<sup>۱۲۶</sup> برای نمونه، دفتر دادستانی، در پرونده لوبانگا ترجیح داد که بر جنایات مربوط به کودکان سرباز تمرکز کرده و سایر جنایات را از حوزه بررسی خود خارج کند علیرغم این واقعیت که این پدیده، گرچه از نگرانی‌های مشروع بین‌المللی است، اما بیانگر تمامت و کلیت فجایعی که قربانیان متحمل شده یا متهم در آن نقش داشته، نمی‌شود.<sup>۱۲۷</sup>

<sup>۱۱۸</sup> Morten Bergsmo (ed.), *Thematic Prosecution of International Sex Crimes*, Torkel Opsahl Academic EPublisher, Beijing, 2012.

<sup>۱۱۹</sup> Morten Bergsmo and C. Wui Ling, 'Towards rational thematic prosecution and the challenge of international sex crimes', in *ibid.*, p. 4.

<sup>۱۲۰</sup> See, e.g., Margaret M. deGuzman, 'An expressive rationale for the thematic prosecution of sex crimes', in M. Bergsmo (ed.), above note 116, pp. 11–44.

<sup>۱۲۱</sup> *Ibid.*, p. 11.

<sup>۱۲۲</sup> See, e.g., Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, above note 73 [SEP].

<sup>۱۲۳</sup> ICTY, *Prosecutor v. Dragoljub Kunarac et al.*, Case No. IT-96-23-T and IT-96-23/1-T, Judgement (Trial Chamber), 22 February 2001.

<sup>۱۲۴</sup> ICC, *Prosecutor v. Bahar Idriss Abu Garda*, Case No. ICC-02/05-02/09, Decision on Confirmation of Charges (Pre-Trial Chamber I), 8 February 2010.

<sup>۱۲۵</sup> نخستین کتاب مهم در این موضوع اخیراً منتشر شده است: نک. به پاورقی شماره ۱۱۶

<sup>۱۲۶</sup> M. Bergsmo and C. Wui Ling, above note 117, pp. 2–3. [SEP]

<sup>۱۲۷</sup> همان. در نتیجه صدور کیفرخواست‌هایی که صرفاً به مساله استفاده از کودکان سرباز پرداخته‌اند، اکثریت شعبه رسیدگی اعلام داشتند که نمی‌توانند برای صدور حکم به جنایات جنسی بپردازند که حتی شامل سوءاستفاده از دخترانی می‌شد که کودک سرباز بودند.

پاورقی شماره ۷۳، بندهای ۳۶، ۶۰، ۶۳۰–۶۲۹، ۸۹۶ و ۹۱۳. برای دیدن نظر مخالف، *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, بندهای ۱۵–۲۱، Separate and Dissenting Opinion of Judge Odio Benito، نک.

تا حدی می‌توان سابقه رویه پیگرد موضوعی در دیوان بین‌المللی کیفری را تا زمان نورمبرگ و آنچه رسیدگی‌های بعدی نورمبرگ خوانده می‌شود، دنبال کرد که رسیدگی‌ها بر مبنای مشارکت بخش‌های خاص از جامعه آلمان در جنگ و حوزه فعالیتشان تقسیم شده بود.<sup>۱۲۸</sup> برای نمونه می‌توان به رسیدگی‌های مربوط به متخصصان پزشکی برای ایفای نقش در آزمایش‌های پزشکی بر انسان و برنامه عمومی کشتن بیماران<sup>۱۲۹</sup> و حقوقدانان برای نقششان در پیشبرد برنامه‌های نازی برای تعقیب، پاکسازی و نابود کردن انسان‌ها از طریق توسعه قوانین و روندهای کیفری، اشاره کرد.<sup>۱۳۰</sup> قطعاً بهترین نمونه برای بحث ما، محاکمه کارخانه‌داران برای نقش صنایع بزرگ در استفاده از نیروی کار اجباری، چپاول سرزمین‌های اشغالی و ارائه امکانات مادی جنگ می‌باشد.<sup>۱۳۱</sup> با وجود ارزش عملی این تقسیم‌بندی، اهمیت این محاکمات به دلیل ارزش نمادین آن و کارکرد آموزشی مهم آن در ترسیم نقش خاص بخش‌های مهم از جامعه آلمان در فجایع ارتكابی بود.<sup>۱۳۲</sup>

مفصل‌ترین کار انجام شده در زمینه پیگرد موضوعی در رویه بین‌المللی کیفری در موضوع جنایات جنسی و درگیری‌های مسلحانه است.<sup>۱۳۳</sup> تأمل بر این موضوع می‌تواند در تعیین شرایط لازم برای پیگرد موضوعی عاملان شرکتی برای مشارکتشان در درگیری راهگشا باشد. برای نمونه، دگزمان معتقد است که محکم‌ترین توجیه برای اولویت تعقیب جنایات جنسی در دادگاه‌های بین‌المللی، حتی گاهی به بهای نادیده انگاشتن سایر قواعد، در منطق «بیانگری» عدالت بین‌المللی کیفری نهفته است.<sup>۱۳۴</sup> تئوری‌های بیانگری عدالت کیفری، اساساً به معنای اجتماعی عدالت کیفری توجه دارند. این تئوری‌ها به طور خاص، پیام هنجارینی که با صدور احکام کیفری و مجازات منتقل می‌شود را به عنوان ارزش مستقل قلمداد می‌کنند. احکام و مجازات‌ها، به طور همزمان، اعمال خلاف را تقبیح کرده و ارزش واقعی قربانیان یا اموالی که ارزش ذاتی آنان در نتیجه ارتكاب بزه نقض شده را مورد تاکید مجدد قرار می‌دهند.<sup>۱۳۵</sup> به نظر دگزمان، منطق بیانگری از اولویت دادن به جنایات جنسی حمایت می‌کند چرا که لزوم بیان مجدد این هنجارها، به دلیل عدم اجرای هنجارهای بین‌المللی منع کننده جنایت ناظر بر خشونت جنسی، ضروری است.<sup>۱۳۶</sup>

---

<sup>۱۲۸</sup> See M. deGuzman, above note 118, p. 11. [SEP]

برای دیدن فهرست رسیدگی‌های بعدی نورمبرگ. نک. به:

Kevin Heller, *The Nuremberg Military Tribunals and the Origins of International Criminal Law*, Oxford University Press, Oxford, 2011.

<sup>۱۲۹</sup> US Military Tribunal at Nuremberg, *US v. Karl Brandt et al.*, Judgement of 19 July 1947, *Trials of War Criminals Before the Nuernberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10*, Vol. II, 1950, pp. 171–300 (the Medical Case).

<sup>۱۳۰</sup> US Military Tribunal at Nuremberg, *US v. Josef Altstoetter et al.*, Opinion and Judgement of 3 December 1947, *Trials of War Criminals Before the Nuernberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10*, Vol. III, 1951, pp. 954–1199 (the Justice Case).

<sup>۱۳۱</sup> See above note 15. [SEP]

<sup>۱۳۲</sup> See, e.g., K. Heller, above note 126, p. 47. [SEP]

<sup>۱۳۳</sup> See above note 115. [SEP]

<sup>۱۳۴</sup> See M. deGuzman, above note 118, pp. 11–44. [SEP]

<sup>۱۳۵</sup> Lawrence Friedman, 'In defence of corporate criminal liability', in *Harvard Journal of Law and Public Policy*, Vol. 23, No. 3, 2000, pp. 840–847.

<sup>۱۳۶</sup> M. deGuzman, above note 118, pp. 35–41. [SEP]

در جایگاه دیگر، جین معتقد است که ساختار بین‌المللی دیوان بین‌المللی کیفری احتمال حمایت از پیگرد موضوعی جنایتی که «دست کم در عمل، اجماع جهانی در مورد لزوم نکوهش و محکومیت آن دیده نمی‌شود»<sup>۱۳۷</sup> را با توجه به دستورکار آینده‌محور دیوان و نقش آن به عنوان ابزاری برای توسعه حکومت قانون در جوامع پس از جنگ، تقویت می‌کند.<sup>۱۳۸</sup> به نظر آمبوس، یکی از دلایل مهم در حمایت از پیگرد موضوعی جنایت جنسی، افزایش آگاهی در جامعه بین‌المللی در مورد استفاده از خشونت‌های جنسی به عنوان تاکتیک جنگی و خطرات آن برای صلح و امنیت است؛ این امر به‌ویژه در پرتو اعتماد سیاستگذاران بین‌المللی به نقش عدالت کیفری در مقابله با پدیده‌هایی از این دست، اهمیت بیشتری می‌یابد.<sup>۱۳۹</sup>

اما آیا می‌توان استدلال‌های مشابهی را در حمایت از پیگردهای موضوعی حول مشارکت شرکت‌ها در جنایات بین‌المللی یا دیگر ابعاد اقتصادی به طور کلی مطرح کرد؟ بسیاری از ایده‌های گفته شده در قبل، عملاً به عنوان دلایلی برای اهمیت نیل توجه به بخش تجاری جنگ‌ها در رویه آتی دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی مطرح شده است. برای نمونه در خصوص منطق بیانگری که از توجه خاص بر جنایات جنسی پیشتیبانی می‌کند، استدلال مشابهی در حوزه ملی و بین‌المللی در دفاع از ضرورت وجود مسوولیت کیفری برای شرکت‌ها (به جای مسوولیت حقوقی یا اداری) در قبال برخی از اعمال خلاف شرکت‌ها مطرح شده است. در توجیه این پیشنهاد، بر پیام اخلاقی خاصی که بوسیله حقوق کیفری منتقل می‌شود و ضرورت شناسایی قربانیان اقدامات خلاف شرکت‌ها تاکید می‌شود.<sup>۱۴۰</sup> گاه در این درخواست‌ها، به چشم‌پوشی عدالت بین‌المللی کیفری بر نقش شرکت‌ها و اقتصاد در جنگ‌ها، علیرغم این واقعیت که برای فهم درست درگیری‌های مدرن باید موضوعات اقتصادی را در نظر گرفت و نه تنش‌های سیاسی یا قومی را، اشاره می‌شود.<sup>۱۴۱</sup> همچنین این استدلال مطرح می‌شود که با در نظر گرفتن نقش دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان مکانیزم عدالت انتقالی در جوامع پس‌ادگرایی، ممکن است نقش عاملان اقتصادی همانند شرکت‌ها و آثار گسترده جنایات بین‌المللی اقتصادی، همانند غارت منابع طبیعی، بسیار مهم‌تر از سایر جنایتکاران و جنایات در دستیابی به صلح پایدار باشد.<sup>۱۴۲</sup> چراکه غالباً بی‌عدالتی‌های اقتصادی است که در صورت اغفال منجر به بازگشت جنگ می‌شود. در نهایت، اگر بپذیریم که مشروعیت پیگردهای موضوعی از بیان نگرانی خاص توسط سیاستگذاران بین‌المللی و

---

<sup>۱۳۷</sup> Neha Jain, 'Going beyond prosecutorial discretion: institutional factors influencing thematic prosecution', in M. Bergsmo (ed.), above note 116, p. 226

<sup>۱۳۸</sup> *Ibid.*, pp. 207–232.

<sup>۱۳۹</sup> Kai Ambos, 'Thematic investigations and prosecution of international sex crimes: some critical comments from a theoretical and comparative perspective', in M. Bergsmo (ed.), above note 116, pp. 311–312.

<sup>۱۴۰</sup> L. Friedman, L. Friedman, above note 133, pp. 833–858; Joanna Kyriakakis, 'Corporate criminal liability and the ICC Statute: the comparative law challenge', in *Netherlands International Law Review*, Vol. 56, No. 3, 2009, pp. 359–364.

<sup>۱۴۱</sup> در مورد خارج کردن ابعاد اقتصادی درگیری از حقوق بین‌المللی کیفری و عدالت انتقالی، نک. به:

Joanna Kyriakakis, 'Justice after war: economic actors, economic crimes and the moral imperative for accountability after war', in Larry May and Andrew Forcehimes (eds), *Morality, Jus Post Bellum, and International Law*, Cambridge University Press, Cambridge, 2012, pp. 115–120.

<sup>۱۴۲</sup> *Ibid.*, pp. 134–136.

سپس اعتماد به عدالت کیفری برای پاسخگویی به آن نشأت می‌گیرد، کار گزارشگر ویژه نیز به معنای آن است که زمانی مشابه در مورد نقش شرکت‌ها در جنایات بین‌المللی فرارسیده‌است.

بررسی آینده پیگردهای موضوعی بر ابعاد اقتصادی جنگ‌ها فراتر از موضوع این مقاله است و قطعاً دلایلی برای احتیاط در استفاده از این رویه به طور گسترده وجود دارد.<sup>۱۴۳</sup> در اینجا، نکته حداقلی بیان شد که عبارت است از اینکه تا آن حد که پیگردهای موضوعی می‌تواند بخشی از روند آتی بین‌المللی کیفری باشد، اقدامات خلاف شرکت‌ها نیز مورد مناسبی است تا در دستورکار دادستان‌ها قرار گیرد. در چنین حالتی پرسش بعدی آن است که آیا ساختار فعلی حقوق بین‌الملل کیفری اجازه چنین کاری را می‌دهد.

در این راستا و برای نتیجه‌گیری می‌توان به کار اخیر فن دان‌هریک و دام‌دوجونگ اشاره کرد که معتقدند زمان آن فرارسیده است که حقوق بین‌الملل کیفری وارد «نسل چهارمی» شود که در آن چهارچوب حقوق بین‌الملل کیفری برای پاسخگویی بهتر به پدیده جنگ به عنوان یک فعالیت اقتصادی، متحول شده و مطابق آن اجرا می‌شود.<sup>۱۴۴</sup> ارتباط نزدیک میان درگیری‌های مدرن و رقابت بر سر منابع طبیعی، لازم می‌دارد که اصول موجود حقوق بین‌الملل کیفری در جهت ابعاد اقتصادی جنگ قرار گیرد و همچنین با توجه به محدودیت‌های ابزارهای موجود حقوق بین‌الملل کیفری که در پارادایم متفاوتی از درگیری توسعه یافته، نیاز به توسعه ابزارهای جدید حقوق کیفری برای همگام ماندن با واقعیت‌های مدرن جنگ وجود دارد.<sup>۱۴۵</sup>

### نتیجه‌گیری

انتظاری که از حقوق بین‌الملل کیفری برای پاسخگو کردن عاملان شرکتی ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌رود، در بسیاری از موارد به دلیل نبود راهکار قضایی دیگر در سطح بین‌المللی است. کارشناسان مختلف در طول مباحث سال ۲۰۰۸ در مورد حقوق بین‌الملل کیفری و شرکت‌ها، بر این نظر بودند که علی‌رغم عدم تمایل سنتی دولت‌ها به گسترش مفاهیم حقوق کیفری به نهادهای انتزاعی، پرسش در مورد عاقلانه بودن بسط حقوق بین‌الملل کیفری، در نبود حقوق بین‌الملل اداری یا شبه‌جرم قابل اعمال، به بیراهه می‌رود.<sup>۱۴۶</sup> در پرتو کار گزارشگر ویژه و کوتاهی او برای در نظر گرفتن نقشی برای تعهدات الزام آور حقوق بشری در سطح بین‌المللی، به نظر می‌رسد وضعیت فعلی قرار است در آینده قابل پیش‌بینی ادامه یابد. همانگونه که گزارشگر ویژه بیان کرد با توسعه حقوق بین‌الملل کیفری است که دورنمای مسوولیت حقوقی برای شرکت‌های درگیر در نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قابل تجسم می‌شود. در این راستا، شاهد تداوم فشار بر نهادها و اصول حقوق بین‌الملل کیفری برای اعمال بر مساله مشارکت شرکت‌ها در جنایات بین‌المللی خواهیم بود.

یکی از عوامل فشار برحقوق بین‌الملل کیفری برای تحول و درنظر گرفتن اقدامات خلاف شرکتی، به ماهیت خود درگیری‌های مدرن برمی‌گردد. با افزایش آگاهی از نقش کلیدی مسائل و عاملان اقتصادی در بسیاری از

<sup>۱۴۳</sup> M. Bergsmo and C. Wui Ling, above note 117, p. 10.

<sup>۱۴۴</sup> L. van den Herik and D. Dam-de Jong, above note 9, p. 250.<sup>[LSEP]</sup>

<sup>۱۴۵</sup> *Ibid.*, pp. 237–273.<sup>[LSEP]</sup>

<sup>۱۴۶</sup> 'See, e.g., 'Discussion', above note 100, pp. 978–979 (comments of George Fletcher).



درگیری‌های مدرن - به عنوان حامیان مالی، به عنوان عاملان مستقیم در شرکت‌های خصوصی نظامی و به عنوان شریک نیروهای امنیتی ناقض حقوق - تمایل به تحول حقوق بین‌الملل کیفری برای پاسخگویی به ابعاد تجاری درگیری، تداوم خواهد یافت. چراکه در نهایت، یکی از توجیحات و اهداف مهم حقوق بین‌الملل کیفری پیشبرد صلح و امنیت است.

این مقاله برخی تحولات جدید در مورد وعده حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص مساله شرکت‌ها را برشمرد. مفاهیمی همچون پیگردهای موضوعی در دادگاه‌های بین‌المللی، نویدبخش امکان استفاده از این رویه برای بیان نقش عاملان شرکتی در جنایات بین‌المللی می‌باشد. ارتباط ارتکاب غیرمستقیم از طریق سازمان به بحث شرکت‌ها، اساساً به این چگونگی تفسیر دیوان از تئوری راکسین و پذیرش مفاهیمی منعطف‌تر از کنترل و فرمانبرداری خودکار بستگی دارد. همچنین باید منتظر تفسیر دیوان از جرم «مساعدت» نشست، اگرچه رأی دادگاه ویژه سیرالئون در قضیه تیلور، چگونگی اعمال این مفهوم بر معاملات مشابه شرکت‌ها را نشان داد.

دادگاه‌ها و محاکم بایستی توجهی جدی‌تر به مساله عاملان شرکتی و آن دسته از جنایات بین‌المللی مورد اغفال، از جمله علیه اموال، که احتمال مشارکت این نهادها در آن بیشتر است، مانند جنایت جنگی غارت، معطوف دارند. حرکت در این سمت، امکان ترسیم خطی دقیق‌تر میان تجارت‌های حيله‌گرانه از آن دسته تجارت‌هایی که تلاش واقعی برای دوری از جنایت بین‌المللی می‌کنند، را میسر می‌سازد. با این حال، در این مطلب نیز احتیاط لازم است. حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند و باید، تنها آن دسته از فعالیت‌های تجاری را در نظرگیرد که نقش مستقیم و مهم در ارتکاب جنایات بین‌المللی دارند. آشکار است که حتی با اعمال بیشتر حقوق بین‌الملل کیفری بر شرکت‌ها، بسیاری از سوءاستفاده‌ها از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که عاملان شرکتی ممکن است در هنگام فعالیت در وضعیت درگیری به نحوی در آن دخیل باشند، در نظر گرفته نمی‌شود. همانگونه که گزارشگر ویژه تاکید کرده است، برای رفع نگرانی‌های گسترده‌تر، اهمیت وضع قواعد چندجانبه که توسعه رویه‌های گسترده‌تر در مورد شرکت‌ها و درگیری‌ها را تشویق کند، مهم‌ترین عامل خواهد بود.